

عنوان : انس باقرآن، تدریس قرآن، مجوریت ازقرآن ۵

## ترجمه آیات به نظم

مؤلف: محمودزاع پور

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

طرح جلد : بهار حیدری آرام

شمارگان : ۵۰۰۰

قیمت : ۶۰.۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱

چاپ و صحافی : فراز اندیش سبز

آدرس نویسنده : <http://m5736z.blog.ir> لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: <http://zarepoorketab.blog.ir>

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است



## فهرست مطالب :

جاودانگی قرآن؛ قرآن کتاب جامع

بخش اول : انس با قرآن

بخش دوم : تدبر در قرآن

بخش سوم : مهجوریت قرآن

مفهوم انس	ضرورت شناخت قرآن	مهجوریت زدایی از قرآن
عوامل انس و آفات	تشبیه قرائت و تدبر و فهم و عمل	گلایه ی پیامبر (ص)
اهمیت انس در قرآن	اهمیت تفکر و تدبر	قرآنی شدن دانشگاه و ...
آداب انس در قرآن	شرائط درک و فهم قرآن	تجلی حقیقت قرآن در قیامت
شرط انس با قرآن	روش شناسی فهم قرآن	شرط قرآنی شدن جامعه
مراحل انس با قرآن	ابعاد تفکر	نیل به وحدت جامع
برکات انس با قرآن	فراخوانی قرآن به استدلال	هدف قرآن کریم
انس اولیاء الله با قرآن	آفات عقل	سهولت و وزانت قرآن کریم
تاثیر بر جان های مشتاق	قرآن بخوانیم تا بفهمیم و...	تبعات غفلت از قرآن
بصیرت افزایی	سخنان بزرگان	قرآن! من شرمنده توام
شفای دل ها	مخالفت با ترویج ترجمه قرآن	بر کتاب خدا چه گذشت ؟
درمان افسردگی	غفلت با قرآن	شکوه ها و گلایه های قرآن از ما
توسل به قرآن	دلیل سستی و کسالت در دین	قرآن و اندیشمندان معاصر

قرآن، مهم ترین، کامل ترین و جامع ترین کتاب آسمانی است. امروزه انسان در معرض آماج حملات روحی و روانی قرار دارد و نگرانی‌های فراوانی او را احاطه کرده، وحشتِ تنهایی در همه حال انسان را تنها نمی‌گذارد. او به شدت نیازمند انیس و مونس است که در کنار او آرامش یابد. نگرانی شدید او از تنهایی و بی‌کسی، در همه حوادث دوران زندگی، روح و روان او را می‌آزارد.

قرآن کریم مونس است که در شرایط عادی و نیز در بحران‌ها و سختی‌های زندگی می‌تواند بهترین همدم انسان باشد؛ امام سجّاد (علیه السلام) می‌فرماید **لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ** اگر همه مردم ما بین مشرق و مغرب بمیرند و هیچ موجودی بر روی زمین زنده نماند و من تنها باشم، وقتی قرآن با من باشد، هرگز از تنهایی وحشت نمی‌کنم.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درمان همه مشکلات را در قرآن می‌داند و می‌فرماید: هرگاه کارها چون شب ظلمانی برایتان مشتبه و تاریک گردید به قرآن پناه ببرید؛ چون او شفיעی است که شفاعتش پذیرفته و شاهی است که تصدیق شده است. هرکس او را رهبر خویش گرداند، وی را به بهشت رهنمون می‌سازد و هرکس بدان پشت پا زند، به جهنم سوقش می‌دهد. قرآن روشن‌ترین راهنما به سوی بهترین راه‌هاست.

آری، قرآن بهترین مونس انسان در تنهایی‌ها و نگرانی‌های زندگی است که جلوه‌ای از علم و حکمت پروردگار و نشانگر عظمت خداوند متعال است. انس با قرآن، همراه شدن با گنجینه بی‌پایان و در اختیار داشتن برنامه جامع و کامل یک زندگی سعادت‌مندانه است که همه در پی آنند، ولی نمی‌دانند که در کنارشان قرار دارد و به قول معروف: یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم

کتاب حاضر ۳ مطلب مهم را در کنار هم تا اینکه خوانندگان محترم ضمن تلاوت قرآن، از اهمیت تدبّر و اندیشیدن در قرآن و چگونگی انس و ارتباط با قرآن را دانسته و بداند اگر قرآن را فقط به شکل ظاهر دیده و به عبارتی قرآن و این کلام الهی را در دستورالعمل زندگی قرار نداده است، قرآن را مهجور کرده و چنانچه ما مسلمانان با قرآن مانوس نشویم و به آن عمل نکنیم، مورد شکایت و عتاب حضرت صلی الله علیه و آله قرار خواهیم گرفت که فرمود **يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا**

مؤلف: محمود زارع پور

## جایگاه قرآن بر کسی پوشیده نیست

در بهترین شب تاریخ (شب قدر) و بر قلب بهترین انسان، نازل شده است. قرآن نازل شد تا غافلان، هوشیار شوند و نشستگان، به پا خیزند و بپا خاستگان بروند و روندگان بدونند.

خدای قرآن قائماً بِالْقِسْطِ، هدف قرآن لِيَقُومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ، و به پیامبرش فرمان قُمْ و به امتش قوموا و نمازش اَقِيمُوا و حَجَّشَ قِيَاماً لِلنَّاسِ و رهبرش قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و رستاخیزش قِيَامَت. پس قرآن کتاب تحرک و نشاط و رشد است.

- قرآن همچون دریا است که نگاه به آن، شنای در آن، ماهیگیری از آن، کشتیرانی در آن تا غواصی در آن، برای همه گروه ها، نوعی بهره دارد و انسان را به ساحل خوشبختی می رساند و کسانی که عالم ترند، مثل غواصان، بهره بیشتری می برند

- قرآن بزرگترین معجزه پیامبر است که حفظ آن واجب است

- مأمور به تدبیریم و از کسانی که در آن تدبیر نمی کنند توبیخ شدید شده

است أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآن....

- قرآن نیاز به سند ندارد، مورد قبول همه فرقه های اسلامی است و در هر خانه مسلمان حداقل یک نسخه از آن وجود دارد.

- تنها کتاب آسمانی است که در آن تحریف صورت نگرفته و در آینده هم

بیمه است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ**

**يَدِيهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ**

- شفاعت انسان ها گاهی مفید واقع نمی شود: **فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ**

**الشَّافِعِينَ** ولی شفاعت قرآن قطعا مفید است

- اگر بناست عمری صرف خواندن و دقت بشود کتاب خالق بر مخلوق مقدم است

- هر چه علم توسعه پیدا کند عظمت قرآن شفافتر شده و هیچ آیه ای، تاریخ مصرف ندارد؛ بلکه برای همیشه است.

- دریایی است که به قعر آن دسترسی نیست : **بَحْرٌ لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ**

- عجائب قرآن قابل شمارش نیست : **لَا تَحْصِي عَجَائِبَهُ**

- قرآن، میزان است و همه باید خودمان را با آن بسنجیم؛ حتی روایات باید با

آن سنجیده شود و اگر حدیثی ضد قرآن بود آن را کنار می گذاریم

**وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ**

**کتابی عطا کرد و میزان نهاد**      **که مردم گرایند یکسر به داد**

- به گفته روایات متعدد، قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) « حتی برای یک لحظه از هم

جدا نیستند: **لَنْ يَفْتَرِقَا**

- قرآن جامعیتی دارد که در خداشناسی، حیوان و آسمان را کنار هم می آورد

**أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ**

**ندارند آیا به اشتر نگاه**      **که چون آفریدست آن را اله**

**نخواهند آیا نگاهی کنند**      **که چونست این آسمان بلند**

- در سفارش به عدالت، تعادل کهکشان ها تا تعادل ترازوی میوه فروشی را با

هم می بیند **وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ**

**برافراشت هفت آسمان را بلند**      **که خود طرح میزان خدا درفکند**

**بفرمود کای بندگان و عباد**      **تجاوز نشایست از قسط و داد**

- در سوگند، هم به خورشید سوگند می خورد و هم به انجیر. **وَ الشَّمْسُ، وَ التَّيْنِ**

- بزرگ ترین آیه حقوقی است، همان گونه که بزرگ ترین نامه حضرت علی (علیه

السلام) نامه سیاسی است. بقره آیه ۲۸۲

- در فرمان جهاد آن نیز توجه به عدالت شده است. **لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**
- عدل و احسان قرآن از هم جدا نیست. دستور قتل قاتل را می دهد ولی نام برادری را از او حذف نمی کند:

**فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ ...** یعنی حتی نسبت به قاتل کلمه عفو و برادر به کار می رود.

- در مسائل حقوقی و مدیریتی و تربیتی و سیاسی و نظامی و خانوادگی و اقتصادی هزاران دستور دارد که در کتب دیگر نیست.

به کتاب آیات سیاسی قرآن تالیف نویسنده مراجعه شود. قرآن به اهل کتاب می گوید اگر کتاب آسمانی را به پا ندارید هیچ ارزشی ندارید و پوک هستید.

**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ** مائده آیه ۶۸

نیابید بهره به نزدیک او

به ترسائی و قوم موسی بگو

به دستور سه آسمانی کتاب

مگر آنکه اکنون کنید انتخاب

نمایید نیکی به روی بلاد

گزینید راه نبرد و جهاد

به عصیان و بر کفر آنها فزود

چو قرآن شما را بیامد فرود

بر این مردم کافر و بدگهر

تو هم ای پیمبر تأسف مبر

## انس با قرآن / تدبر در قرآن / مهجوریت قرآن

### جاودانگی قرآن؛ قرآن کتاب جامع

قرآن، مهم ترین، کامل ترین و جامع ترین کتاب آسمانی است. راز جاودانگی آن اموری چند است از جمله یکی از دلایل این جاودانگی غنای محتوایی، گستره معنایی و مفهومی، فراگیری موضوعی و جامعیت آن می باشد. قرآن تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ و بیانگر هر چیزی است چنان که خود چنین ادعایی را مطرح کرده است

لذا معصوم می فرماید: ما همه رخدادهای هستی را تا قیام قیامت از خود کتاب الله استخراج می کنیم و بر پایه همین باور و اعتقاد است که معصومان (علیهم السلام) از بطون هفت یا هفتادگانه قرآن سخن به میان می آورند؛ زیرا قرآن را کسی فرستاده است که دارای سه ویژگی آگاهی، توانایی و خواهانی است. به این معنا که خداوند آگاه و عالم به همه چیزی است لا يَعْرُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ کوچک ترین چیز در آسمان و زمین بیرون از علم و آگاهی خداوند نیست.

میان سپهر و زمین هیچ چیز **سبا ۳** اگرچه بود خرد همچون پیشیز

نبودست صاحب کمال و وجود مگر آنکه در علم حق ثبت بود

قرآن، کتابی جامع و فراگیر است که هر آن چه نیاز بشر است در آن بیان شده است بی آن که کم و کاستی در آن وجود داشته باشد. این گونه است که لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ و یا اللَّهُ تَجَلَّى فِي كَلَامِهِ؛ خداوند در کلام خویش یعنی قرآن تجلی یافته است، ولی قرآن، تَجَلَّى اعظم الهی می باشد.

قرآن، براساس آنچه خود بیان کرده، راهنمای زندگی و هدایت بشر به سوی خدایی شدن و رسیدن به مقام خلافت الهی است.

از این رو هیچ چیزی را برای رسیدن بشر به این مقصد و مقصود فروگذار نکرده  
است وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (نحل، ۸۹)

ترا داد یزدان کتابی مبین      که روشن کند شیوه حق و دین

خداوند پس از هبوط آدم (علیه السلام) و پذیرش توبه‌اش، به او وعده داده تا هدایتی از  
سوی خود بفرستد و انسان با بهره‌گیری از آن بتواند به هدف آفرینش یعنی  
خلافت دست یابد قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا... (بقره ۳۸)

بگفتیم حقا یکایک برون      بیایید از باغ جنت کنون

خداوند به این وعده خود عمل کرده و در طول تاریخ بشریت، پیامبران و کتب  
آسمانی بسیاری را به سوی بشر جهت هدایت و راهنمای وی فرستاده شَرَعَ لَكُمْ  
مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى  
وَ عِيسَى اَنْ اَقِيْمُوا الدِّينَ.... (شوری ۱۳ تا ۱۶)

خداوند بهر شما مسلمین      همان شرع و احکام دادی و دین

که گفتا به نوح نبی زان اصول      به موسی و عیسی خلیل رسول

مهمترین و کامل‌ترین کتب آسمانی و وحیانی که در اختیار بشر قرار گرفته، که قرآن  
است. لذا خدا از انسان‌ها خواسته تا از این کتاب جامع و کامل استفاده کرده و  
بر دین اسلام باشند تا بتوانند سعادت را نه تنها در دنیا بلکه در آخرت برای  
همیشه به دست آورند. اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ وَ مَا اِخْتَلَفَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا  
الْكِتَابَ ... (آل عمران ۱۹)

همانا که در نزد یکتا خدا      بود دین اسلام دینی سزا

از اول نکردند اهل کتاب      به آیین پاک محمد (ص) عتاب

ولی چونکه دیدند دین نیست حق      عداوت بکردند بر این نسق



اما گروهی از مردم به جای استفاده از قرآن به عنوان کتاب زندگانی و هدایت، از قرآن تنها به عنوان یک کتاب در کنار کتب دیگر بهره گرفته‌اند. این در حالی است که خدا به انسان‌ها هشدار می‌دهد که تنها راه هدایت، آن که کتاب‌های آسمانی از جمله کتاب قرآن را تنها کتاب زندگی بدانند و با قوت آن را در اختیار گیرند و در همه زندگی و ابعادش از آن بهره برند و إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره ۶۳)

به خاطر بیارید آنکه که ما	گرفتیم پیمان و عهد از شما
پس آنکه برافراشت رب غفور	فراز شما این چنین کوه طور
ز تورات جوئید راه گذر	بگیرید پیوسته اش در نظر
بود آنکه گردید پرهیزکار	بترسید از شوکت کردگار

پس هرگونه بهره‌گیری التقاطی از قرآن و دیگر کتب آسمانی نمی‌تواند انسان را به هدف برساند؛ زیرا اگر قرآن تبیان و روشنگر همه چیز است (نحل ۸۹) می‌بایست همه نیازهای بشر را در زندگی برآورده سازد و چیزی را فرو نگذارد. لذا دیگر نیازی نیست تا انسانها برای دستیابی به پاسخی، به کتاب دیگری مراجعه کنند و نیاز خویش را از طریق آن پاسخ دهند.

تنها بخشی از مومنان، به قرآن به عنوان کتاب هدایتی جامع و کامل نگاه می‌کردند و با اعتقاد کامل بدان پایبند بوده و ایمان داشته و عمل می‌کردند الم . تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (رعد ۱)

الف و لام و میم است و را	که رمزیت از سوی یکتا خدا
همانا همین است آیات آن	کتابی که آمد ز رب جهان
همانا که قرآن ز رب وجود	بحق بر تو ای احمد آمد فرود

## ولی اکثر خلق بر این کتاب نگرند مؤمن، خلاف صواب

این گروه از معتقدان به قرآن همان خردمندان یا اولوالالباب هستند که عقل خویش را به کار گرفته و دانسته‌اند که تنها در چارچوب قرآن است که می‌توانند به کمال مطلق دست یابند.... **إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ** (رعد ۱۹)

## کسانی که دارند عقلی و هوش بگیرند این نکته ها را به گوش

آنان با توانایی که دارند، می‌توانند حقایق قرآن را حتی در میان متشابهات آن دریابند و راه زندگی خویش را براساس آن سامان دهند **وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ** (آل عمران ۷)

## چنین نکته را کس نکردست ذکر جز آنها که دارند عقلی و فکر

اینان می‌توانند با مراجعه به آموزه‌های قرآنی، نظریه‌هایی را برای مشکلات و مسائل زندگی به دست آورند.

بنابراین، چیزی در زندگی نیست که بر ایشان پوشیده ماند و نتوانند پاسخی برای پرسش‌های خویش از قرآن نیابند.

**تجلی حقیقت قرآن در قیامت** روایت نورانی از مرحوم شیخ کلینی که اولین و آخرین در قیامت همه صف می‌کشند، بزرگواری با یک جمال و جلالی می‌آید؛ همه خیال می‌کنند این جزء علماء است، می‌بینند از علماء گذشت؛ خیال می‌کنند جزء اولیاء است، از اولیاء گذشت؛ خیال می‌کنند جزء انبیاء است، از انبیاء می‌گذرد؛ خیال می‌کند جزء اولوالعزم است، از اولوالعزم می‌گذرد؛ با این هیمنه و جمال و جلال می‌آید می‌پرسند این کیست که از همه می‌گذرد؟ می‌گویند: این شخصیت بزرگ، حقیقت قرآن است. قرآن در آن روز به این صورت در می‌آید.

**مفهوم انس** : واژه انس در لغت به معنای آرام یافتن به چیزی و خو گرفتن و دلبستگی به آن است. در قرآن کریم مشتقات آن استفاده شده آیه ۶ نساء ... فَإِنْ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ زُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ ... اگر آنان را رشید یافتید، اموالشان را به خودشان بسپارید.

### چو دیدید خود لایقند و رشید پس اموالشان را به ایتم دهید

که در اینجا انس به معنای محسوس شدن و معلوم گردیدن است و مقصود، این است که هنگامی که آثار رشد فکری در ایتم برایتان محسوس و نمایان گردید، اموالشان را در اختیارشان قرار دهید.

همچنین **تَسْتَأْنِسُوا** در آیه ۲۷ نور آمده که به معنای انجام دادن کاری که موجب انس و آشنایی است،

### شایسته ترین مونس

**انس** یک نیاز طبیعی و فطری انسان است. به چه چیزی انسان باید انس پیدا کند تا این نیاز فطری و طبیعی او به صورت اصیل و واقعی تأمین شود؟

انسان از ریشه انس است و در زندگی، نیازمند انس با دیگران است و به همین دلیل است که **انس** هم مانند **الفت** از سپاهیان عقل شمرده میشود، و انسان برای رسیدن به زندگی مطلوب، باید از این ویژگی فطری استفاده نماید و این نیاز طبیعی را به صورت واقعی و اصیل تأمین نماید.

اشباع این نیاز با عوامل کاذب و ناپایدار ( وسیله . حیوان . پرنده دنیا و .. ) یک انحراف است و هیچ گاه آرامش درونی انسان را به همراه نخواهد داشت.

یکی از مسائل بسیار مهم اسلامی و یکی از وظایف هر انسان مومن و معتقد، مانوس بودن با قرآن است.

اولا ما باید قرآن بیاموزیم و در مرحله بعد درست و صحیح تلاوت نماییم و بعد از آن در آیاتش تدبر کرده، و رابطه تنگاتنگ و جدی با آن داشته باشیم چرا که قرآن، کتاب کامل انسان ساز و حاوی تمام برنامه ها و رموز تکامل است، سخن خداوند متعال بوده و عمل به آن موجب پیروزی و رستگاری دنیا و آخرت است انس، یعنی علاقه آمیخته با عشق و معرفت، الفت ناگسستنی که موجب اتصال و به هم پیوستگی می شود. مثلا علی (علیه السلام) علاقه اش به مرگ را، با کلمه انس تعبیر نموده است، مثال انس کودک به شیر مادر را ذکر کرده و می فرمایند

وَاللَّهِ لَا بَنُ أَبِي طَالِبٍ اَنَّسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِثَدْيِ اُمِّهِ بخدا سوگند، اُنسِ پسر ابی طالب به مرگ (شهادت) از انس طفل شیرخوار به پستان مادرش بیشتر است. چنین علاقه ای یک انس حقیقی است.

قطعا اگر با قرآن چنین پیوندی برقرار کنیم هم در دنیا و هم در آخرت رستگار می شویم و حتی از دوری برادران دینی، نیز دلتنگ نشده و خود را نمی بینیم.

علی علیه السلام: هر کس به تلاوت قرآن انس گیرد، دوری برادران ایمانی او را دلتنگ و تنها نسازد.

اگر انسان خواسته باشد به چنین انسی برسد، نخست، باید **عظمت قرآن** را بشناسد و با تمام وجود درک کند که قرآن غذای کامل روح است و موجب رشد معنوی و تکامل همه جانبه او خواهد شد.

## انس واقعی به قرآن دارای دو رکن اساسی و مهم است.

۱. **شناخت قرآن** : هر گاه انسان قرآن را بشناسد، به عظمت نازل کننده (خدا) و پیامبری که قرآن بر او نازل شده پی می برد، محتوای آیاتش را در می یابد.
۲. **عشق ورزیدن به آن** : و سپس با عشق به آن، ارتباط فکری و عملی برقرار می کند و می تواند ادعا کند که با قرآن انس گرفته و گرنه مورد شکایت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می شود .

## عوامل و آفات انس

- ۱- **ذکر خدا** : علی (علیه السلام) : **الذَّكْرُ مِفْتَاحُ الْاُنْسِ** ذکر کلید انس است (غرر الحکم) بنابراین، انسان هرچه بیشتر از این کلید گنج دلبستگی بخدا استفاده کند، انس او با حضرت حق بیشتر میگردد و به آرامش بیشتر دست مییابد **الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (رعد ۲۸)

همان مردمانی که بر کردگار	بیارند ایمان و دار القرار
که دل‌های آنها به یاد خدا	همی گیرد آرام و یابد صفا
همانا بدانید یاد خداست	که آرام دلها و رمز شفاست

## ۲- پرهیز از مصاحبت با اهل غفلت

مصاحبت با اهل غفلت، انسان را از یاد خدا غافل میکند، بدین جهت کسی که میخواهد با خدا مانوس باشد، باید از معاشرت با انسان های غافل، جداً اجتناب کند، امام علی (علیه السلام) **كَيْفَ يَأْتِسُ بِاللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَوْحِشُ مِنَ الْخَلْقِ؟!** چگونه با خدا مانوس میشود کسی که با بندگان، قطع رابطه نکرده! بی تردید، مقصود از خلق در این حدیث و احادیث مشابه، ذاکران خدا نیستند، بلکه مقصود، اجتناب از معاشرت با مردم غافل است .

### ۳ - استمداد از خداوند متعال

پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، مکرر از خدا این تقاضا را داشته اند که **اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا...**  
**اَنسِيْنَ يٰ اِنْسِيْ بِكَا يٰ گَرِيْم يٰ وَ اجْعَلْ اِنْسِيْ بِكَا** و در دعایی که در صحیفه  
سجادیه نقل شده، آن حضرت وحشت از انسان های بد و غافل و نیز انس با  
خدا و اولیائش را یکجا از خداوند متعال می خواهد (دل مرا، از وحشت از بندگان  
شرورت، آکنده کن و انس به خودت و اولیا و اهل طاعتت را نصیب من بنما)  
(بحارالانوار ج ۴۹)

بنابراین در آموزه های اسلامی **حسن خلق و حسن معاشرت و نرمخویی و نیکی و**  
**استمداد از خداوند متعال**، عوامل انس شمرده شده اند. و در مقابل از **بداخلاقی**  
و معاشرت با جاهلان و فساق و فجار و ... به عنوان آفت انس یاد شده است.  
چه کتابی را می توانیم پیدا کنیم که به اندازه قرآن نکته داشته باشد؟

### آداب انس با قرآن

۱. **رعایت حق تلاوت** یکی از مهمترین شیوه های انس با قرآن رعایت حق تلاوت  
است که در قرآن فرموده : **اَلَّذِيْنَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوٰتِهٖ اُولٰٓئِكَ**  
**يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ** (بقره ۱۲۱)

کسانی که چون ما بر آنها کتاب	نمودیم نازل به راه صواب
بخواندند آن را درست و نکو	بکردند بر آن عمل مو به مو
به تحقیق ایشان همه مؤمنند	که بر ایزد خویشان موقند
ولی آن کسانی که کافر شدند	به دین خداوند منکر شدند
زیانکار هستند بسیار سخت	نبینند روی نکویی به بخت

**۲. رعایت حرمت قرآن :** پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود **يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِتَوْفِيرِ كِتَابِهِ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَ يُحَبِّبْكُمْ إِلَى خَلْقِهِ؛** ای حاملان قرآن! با نگاه داشتن حرمت قرآن، خود را محبوب خدا سازید، که در این صورت، بیشتر شما را دوست خواهد داشت و محبوب مردمانتان خواهد ساخت. همچنین فرمود: قرآن از همه چیز، جز خدا، برتر است؛ پس هرکه قرآن را پاس دارد خدا را پاس داشته است و هرکه قرآن را پاس ندارد، احترام خدا را سبک شمرده است.

**۳. رعایت ترتیل :** خداوند در قرآن فرموده **وَ رَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً** و قرآن را با دقت و تأمل بخوان! ترتیل در قرآن، خارج کردن کلمه از دهان با سهولت و به شیوه درست است، که از آداب قرائت است.

**۴. با صوت زیبا خواندن :** پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: **لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ وَ حِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ** هرچیزی زینت و آرایشی دارد و زینت قرآن هم با صوت زیبا خواندن است. اهل بیت (علیهم السلام) خود نیز چنین بودند و صوت زیبا می خواندند. نوفلی گوید: در نزد حضرت امام هادی (علیه السلام) از صدا و آهنگ خوش گفت و گو کردم، فرمود: امام سجّاد (علیه السلام) قرآن تلاوت می کرد و گاهی مردم از صدای زیبای او بی هوش می شدند، و اگر امام اندکی از صدای زیبای خود را ظاهر کند مردم طاقت شنیدن آن صوت زیبا را ندارند.

گفتم: آیا پیامبر اکرم با مردم نماز نمی خواند و صدای خود را به تلاوت قرآن بلند نمی ساخت پس چرا مردم بی هوش نمی شدند؟ فرمود: رسول خدا به اندازه طاقت مردمی که پشت سر او بودند صدای خود را آشکار می ساخت.

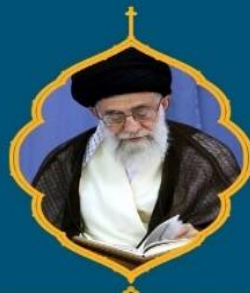
۵. **مداومت بر انس** حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: فردی سوره‌ای از قرآن را فراموش می‌کند، روز قیامت همان سوره در درجه‌ای از درجات بر او مشرف می‌شود و می‌گوید:

السّلام علیک. او در پاسخ می‌گوید: و علیک السّلام، تو کیستی؟

می‌گوید: فلان سوره‌ای هستم که مرا واگذاشتی و ترکم نمودی، اگر نگاهم می‌داشتی تو را به این درجه می‌رساندم.

آنگاه امام فرمود: بر شما باد به قرآن تا آن را فراگیرید که بعضی از مردم آن را می‌آموزند تا گفته شود: فلانی قاری است.

و برخی آن را می‌آموزند و هدفشان تنها صداست که گفته شود: فلانی خوش صوت است، در اینها خیری نیست؛ اما برخی هم قرآن را می‌آموزند و شبانه روز بر این کار مداومت دارند و برایشان فرقی نمی‌کند که کسی این را بداند یا نداند.



بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۷/۷

تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما می‌شود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند؛ دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ بیشتر با تدبر حاصل می‌شود؛ این را تجربه کنید.



## مهم‌ترین شرط انس با قرآن

گاهی ممکن است این سوال پیش بیاید که چگونه برخی انسان‌ها که انس با قرآن دارند، از آن بهره نمی‌برند و در عمل، انس با قرآن را نشان نمی‌دهند؟

امام محمد باقر (علیه السلام) در پاسخ این پرسش، انس‌گیرندگان با قرآن را سه گروه معرفی می‌فرماید که دو گروه اول هرگز از انس با قرآن بهره‌مند نمی‌شوند مگر بهره‌اندک مادی، ولی گروه سوم بهره واقعی و معنوی را از قرآن کریم خواهند برد.

۱. شخصی که تلاوت و انس با قرآن را ابزاری برای کسب سرمایه مادی و یا کسب موقعیت در نزد حاکمان و یا مایه فخر و مباهات در میان مردم قرار دهد .

۲. شخصی که با تلاوت و انس با قرآن، آداب ظاهری را رعایت کرده، ولی حدود و شرایط و دستورهای واقعی آن را اهمیت نداده و ضایع می‌کند (انس صوری) .

۳. کسی که قرآن را بخواند و دوی آن را بر دردهای دل و دین خود قرار دهد. او با قرآن شب زنده‌داری می‌کند، عطش معرفت و معنوی‌اش را با قرآن فرو می‌نشاند. در مساجد با قرآن قیام می‌کند، برای قرآن از بسترش جدا می‌شود. پس دفع بلا، نابودی دشمنان، نزول باران رحمت از آسمان و پیروزی بر مخالفان همه را خداوند به خاطر عظمت و جایگاه رفیع این گروه سوم انجام می‌دهد

امام باقر (علیه السلام) در پایان با نهایت تأسف فرمود: به خدا سوگند، قاریان از نوع سوم خیلی کمیاب است، کمیاب‌تر از کبریت احمر. (کبریت احمر اصطلاحی بین کیمیاگراهاست، آن چیزی که به وسیله آن اکسیر می‌سازند که می‌تواند طلا را مس کند. و بسیار کمیاب است)

قرآن را پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برخی از تلاوت کنندگان قرآن را به شدت نکوهش می کند و می فرماید رَبِّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ بسا قاریان قرآن که قرآن آنان را لعن می کند. همان طوری که برخی افراد با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند، ولی از محضر آن حضرت بهره نبردند، عده ای هم ممکن است در ظاهر با قرآن باشند، اما از معارف بلند آن سودی نبرند و از قرآن به عنوان ابزاری برای رسیدن به مطامع دنیوی خویش استفاده کنند .

در این زمینه روایات هشدار دهنده فراوانی از اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است که توجه قاریان، عالمان و اصحاب قرآن را می طلبد که چگونه از این سرمایه معنوی بهره ببرند و این فرصت طلایی را به ثمن بخس نفروشند. البته انس حقیقی با قرآن هرگز پشیمانی ندارد؛ زیرا در آن صورت تمام وجود انسان و حرکات و سکناتش وحیانی و الهی خواهد شد، نه قرائت صوری که قرائت و انس نیست.

**اهداف و نیت خوانندگان قرآن** طبق روایات به شرح زیر می باشد:

۱. **مَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: فَلَانٌ قَارِئٌ؛** قرآن می خواند تا گفته شود: فلانی قاری قرآن است .

۲. **لِيُطْلَبَ بِهِ الدُّنْيَا؛** تا به وسیله آن دنیا را به دست آورد.

۳. **فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً؛** قرآن را سرمایه کسب خود قرار داده.

۴. **وَاسْتَدَّرَ بِهِ الْمُلُوكَ؛** تا پادشاهان و ثروتمندان را با آن بدوشد.

۵. **وَاسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ؛** تا به مردم فخر و بزرگی بفروشد.

۶. **تَزِينٍ لِلنَّاسِ** خود را با قرآن برای مردم زینت کند.

۷. **مَنْ يَتَعَلَّمَهُ فَيُطْلَبُ بِهِ الصَّوْتِ فَيُقَالَ: فَلَانٌ حَسَنُ الصَّوْتِ،** قرآن را یاد می

گیرد برای صوت و لحن تا گفته شود: فلانی خوش صدا است.

## مراحل انس با قرآن

۱. **نگهداری در خانه:** امام صادق (علیه السلام) فرمود **إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الشَّيَاطِينُ** من خوش دارم قرآنی در خانه باشد و خداوند شیاطین را به واسطه آن از خانه دفع کند. البته در مورد کسانی این مرحله مناسب است که بیش از این نمی‌توانند استفاده کنند؛ وگرنه قرار دادن قرآن در خانه، بدون بهره‌برداری معنوی از محتوای آن، مورد نکوهش است و روز قیامت شکایت قرآن را در پی خواهد داشت.

۲. **نگاه به خطوط قرآن:** انس با قرآن مراتبی دارد و کمترین مرحله انس با قرآن، نگاه کردن روزانه به قرآن است که همین نگاه کردن بدون خواندن، جزو عبادات مستحبی محسوب شده و ثواب دارد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمود: **النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ عِبَادَةٌ**؛ نگاه کردن به خطوط قرآن بدون خواندن آن عبادت است.

۳. **سکوت هنگام قرائت:** خداوند متعال از دیگر مراحل انس با قرآن را رعایت سکوت، هنگام قرائت آن بیان می‌کند و دستور می‌دهد که **وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** اعراف ۲۰۴

سپارید بر آن همی گوش جان

چو قرآن قرائت شود در میان

که گردید مشمول لطف خدا

بمانید خاموش دل بر نوا

۴. **استماع تلاوت قرآن:** گوش دادن که برکات مادی و معنوی فراوانی دارد؛ امام سجاد (علیه السلام): هرکس یک حرف از قرآن را گوش کند هرچند آن را قرائت نکند، خدا برای او یک حسنه می‌نویسد و یک گناه از او محو می‌کند و یک درجه بالایش می‌برد.

**۵. تلاوت با نگاه و بدون تلفظ :** امام سجّاد (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید مَنْ قَرَأَ نَظْرًا مِنْ غَيْرِ صَوْتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً هرکس با نگاه و بدون صوت و تلفظ، قرآن بخواند، خداوند برایش در برابر هر حرفی حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی را از او محو می‌کند و درجه او را بالا برد .

**۶. قرائت از روی مصحف :** قرائت قرآن مرحله‌ای از مراحل انس با قرآن است، اما کامل نیست. قرائت ممکن است از روی مصحف باشد و ممکن است از حفظ خوانده شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ قِرَاءَةِ الْمُصْحَفِ نَظْرًا هیچ چیزی بر شیطان دشوارتر از قرائت قرآن از روی آن نیست. امام صادق (علیه السلام) : هرکه قرآن را از روی آن بخواند، از دیدگان خود بهره‌مند شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش گردد اگر چه آن دو کافر باشند .

**۷. تلاوت قرآن :** متابعت از قرآن در قرائت و دنبال کردن معانی و پیروی در عمل است؛ پس هر تلاوتی، قرائت می‌باشد، اما هر قرائتی تلاوت نیست؛ اصولاً تلاوت در مواردی به کار می‌رود که مطالب قرائت شده، وجوب پیروی را در پی آورد. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقًّا تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ؛ (بقره ۱۲۱)

نمودیم نازل به راه صواب	کسانی که چون ما بر آنها کتاب
بکردند برآن عمل موبه مو	بخواندند آن را درست و نکو
که بر ایزد خویشان موقند	به تحقیق ایشان همه مؤمنند
به دین خداوند منکر شدند	ولی آن کسانی که کافر شدند
نبیند روی نکویی به بخت	زیانکار هستند بسیار سخت

کسانی که به آنان کتاب دادیم آن را به حق تلاوت می‌نمایند؛ چرا که به آن ایمان دارند. رسول خدا هم در معنای تلاوت در این آیه فرمود: **حقّ تلاوت، یعنی پیروی راستین در عمل و تبعیت راستین از فرامین قرآن .**

تلاوت قرآن از آثار مادّی و معنوی برخوردار است که برخی از آنها را آیه زیر یاد آور شده است: **إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ (فاطر ۲۹)**

**قرائت کنان کتاب خدا**                      **که آرند نیکو نمازی به جا**

**زرزقی که دادست رب جهان**                      **نمایند انفاق فاش و نهان**

**بکردند سودا به امید سود**                      **که هرگز زیان و زوالش نبود**

**۸. تدبّر در آیات :** از مراحل بالای انس با قرآن تدبّر در آیات قرآن است، که قرآن آن را از جمله وظایف انسان به‌شمار آورده است **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ؟** در تلاوت آیات قرآن هرگز نباید بدون تدبّر و تأمل رد شد؛ زیرا با تدبّر در آیات قرآن، آنها خودشان را نمایان می‌کنند.

تدبّر در آیات هرگز معطل شدن و توقّف بی‌حرکت و تفکّر نیست؛ تدبّر در آیات قرآن در واقع تفسیر آیات به آیات دیگر است، تطبیق آیات با یکدیگر و توأم با حرکت فکری است، در اثر تدبّر در آیات هم‌سویی و هماهنگی معانی و معارف آنها نمایان می‌شود؛ آنگاه انسان می‌تواند به معانی اصیل و ناب آیات قرآن دست یابد، البته لازم است تدبّر در آیات قرآن با فکر خالص و با ذهن خالی و دلی پاک و همراه با تعقل، انجام گیرد. از آیات ظاهر می‌شود که تدبّر در آیات از طریق قلب پاک و عقل ناب به عمل می‌آید .

۹. **حفظ قرآن** : حفظ قرآن از مراحل انس با قرآن است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود **لِلْحَافِظِ لِقُرْآنِ الْعَامِلِ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ** ؛

کسی که قرآن را حفظ نماید و عامل به دستوره‌های آن باشد، (در آخرت) با فرشتگان نیکوکار و ارجمندی که واسطه میان خداوند و پیامبران هستند محشور می‌گردد. بر اساس این روایت قاریان، تالیان، حافظان و حاملان قرآن توصیه به عمل شده‌اند و با حفظ قرآن بدون عمل، انس با قرآن معنا ندارد.

۱۰. **عمل به آیات** : این مرتبه، کامل‌ترین مرتبه انس با کلام خداست که در آیات

و روایت بیشترین تأکید روی آن شده است. متون دینی ما در این زمینه روایات زیبا و قابل تأملی را به صورت انبوه آورده است

امام صادق (علیه السلام) در سخن گهرباری به لزوم عمل به آیات قرآن پرداخته، فرمود.

**عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَا بِهَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَاعْمَلُوا بِهِ وَ مَا وَجَدْتُمُوهُ مِمَّا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَاجْتَنِبُوهُ**؛ بر شما باد انس با قرآن، پس هنگام تلاوت هر آیه‌ای یافتید که کسانی پیش از شما با عمل به آن نجات یافته‌اند، شما هم به آن عمل کنید و هر آیه‌ای را مشاهده کردید که بیانگر عوامل هلاکت و نابودی پیشینیان است، شما هم از آن عوامل پرهیز کنید.

**برخی از برکات انس با قرآن** قرآن در تعریف خودش این گونه بیان می‌کند

که این کتاب هیچ تردید و شک و ریبی در آن وجود ندارد. اگر کسی دنبال این هدایت است، به برکت این قرآن می‌تواند به هدایت برسد. قرآن به انسان آرامش قلب و سکون می‌دهد. انسان برای اینکه تمسک به قرآن پیدا کند باید از چند مرحله عبور کند. **اول، خواندن قرآن** است.

امیر مومنان (علیه السلام) می فرمایند: اگر انسان با قرآن مأنوس شد، دوری او از دوستان و نزدیکان، او را به وحشت نمی اندازد. تیرگی های روحی به وسیله قرآن از بین می رود. انسان به واسطه قرآن شرح صدر پیدا می کند. درون انسان با خواندن قرآن روشن می شود. با خواندن قرآن آلودگی ها و ناپاکی های وجود انسان از بین می رود. ما باید در بحران های زندگی به قرآن پناه ببریم.

مرحله **دوم** بعد از قرائت قرآن، **درک معانی قرآن** است.

مرحله **سوم عمل کردن به قرآن** است. اعم از عمل کردن به احکام و دستورات شرعی و اخلاقی قرآن، مانند احترام پدر و مادر، خواندن نماز و گرفتن روزه. اطاعت از اولی الامر، شرکت در جهاد مال و جان و انفاق ...

**انس با کلام الهی آثار و برکات مادی و معنوی** فراوانی به همراه دارد:

**۱. افزایش ایمان:** مؤمنانی که از تلاوت آیات وحی لذت می برند طبق وعده خداوند نورانیت می یابند و ایمانشان کامل می شود: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ**

کسی هست مؤمن که چون در میان رود نام و ذکر خدای جهان

هراسان بگردد دلش ز آن کمال که دارد همی ایزد ذوالجلال

بر آنها چو خوانند آیات رب فزون گردد ایمانشان در طلب

در انجام هرگونه اعمال و کار **انفال ۲** توکل نمایند بر کردگار

۲. **نورانیّت فضای زندگی** : رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خانه‌های خود را با

تلاوت قرآن، نورانی کنید و خانه‌هایتان را چون قبرستان قرار ندهید؛ همان‌طور که یهود و نصارا چنان کردند که در معابد و کنیسه‌ها نماز می‌گذاشتند و خانه‌های خویش را تعطیل نمودند؛ چون هرگاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش زیاد می‌گردد و آن خانواده بهره‌مند می‌شود و برای اهل آسمان نور می‌دهند همچنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین، نورافشانی می‌کنند. ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ مِزْمَل ۲۰

**بخوانید قرآن به قدری که دارید توان به هر حال در هر زمان و مکان**

۳. **بصیرت و آگاهی** : شخصی که بصیر نباشد و راه و چاه را در پیچ و خم حوادث

تشخیص ندهد، هرگز نمی‌تواند به سر منزل مقصود برسد. برای همین، زندگی با آیات قرآن برای همه انسان‌ها آگاهی بخش و بصیرت افزاست و چراغ راه، روشنی بخش است... قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ اعراف ۲۰۳

**بگو من بجز وحی یکتا خدا اطاعت نورزم دگر چیز را**

**بصیرت نهفته است در این کتاب در آن آیه هائیکت بسیار ناب**

**هدایت و رحمت بود اندر آن بر آنها که هستند از مؤمنان**

همچنین در آیه ۲۰ سوره جاثیه، قرآن، بهترین وسیله بصیرت معرفی شده: هَذَا

**بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ**

**کتابیست قرآن کتابی مبین که بینش ببخشد بر اهل یقین**

**هدایت کند مایه رحمت است بر آن کس که سوی یقین برده دست**



۴. آشکار شدن طرح، نقشه و روش گنه کاران : وَ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَ لَتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (انعام ۵۵)

بدین گونه ما آشکار و عیان  
که روشن شود راه نیکو طریق  
نماییم آیات خود را بیان  
از آن کس که در جرم گشته غریق

۵. تذکر و یادآوری وظایف اهل ایمان : سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نورا)

فرستاد این سوره را کردگار  
در آنست آیات روشن بسی  
ببندید احکام آن را به کار  
چو خواهد که خود پند گیرد کسی

۶. زمینه ساز تزکیه و تعلیم انسان : يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ (جمعه ۲)

که خواند بر ایشان کتاب خدا  
کند قلبشان پاک از کار زشت  
همه آیه هائی از آن کبریا  
بیاورد او حکمتی راستین  
کند تزکیه قلبها و سرشت  
کند آشنا با کتابی مبین

۷. تقویت تفکر و تعقل و اندیشه، وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره ۲۱۹)

پرسند مردم به راه خدا  
بگو آنچه باشد فزون بر نیاز  
چه روشن، آیات خود را خدا  
آمیخت در کار دنیای خویش  
چه انفاق سازیم ای مصطفی  
بیان می نماید برای شما  
تفکر نمایید و عقبای خویش  
به محتاج بخشید بی هیچ آز

۸. آراستن انسان‌ها به لباس زیبای تقوا، أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ (بقره ۱۸۷)

به ماه مبارک نمودم حلال بجوید با همسر خود وصال  
زنان چون لباسند مر شوی را وز آن سوی مردان لباس نسا

۹. شفا بخشیدن به امراض روحی و بیماری‌های نفسانی اهل ایمان

و لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ؕ أَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً (فصلت ۴۴)

اگر بر زبان عجم رب جود مبارک کتابش فرستاده بود  
بگفتند کفار یکتا خدا که آیات، روشن نباشد چرا  
مگر نازل آید به قوم عرب کتابی به لفظ عجم، ای عجب؟  
بر افراد مؤمن کتاب خدا ز بهر هدایت رسید و شفا

۱۰. موعظه و عبرت برای پروا پیشگان،

و لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (نور ۳۴)

فرستاد آیات روشن خدا هدایت بیابید شاید شما  
بگفتا مثلها ز پیشینیان که رفتند زین پیشتر از میان  
که پرهیزکاران نیکوسرشت بگیرند عبرت ز هر خوب و زشت

آیات قرآن، نور و روشنگر آیاتِ مُبَيِّنَاتٍ تاریخ گذشتگان، چراغ راه آیندگان است. مَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ قرآن کتاب جامعی است.

«آیات- مثلاً- مَوْعِظَةً» پند پذیری، دلی آماده می‌خواهد. مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ مَتَّقِينَ نیز به موعظه نیازمندند.

### ۱۱. هدایت مردم از تاریکی‌ها به سوی نور

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (احزاب ۴۳)

خدا و ملکهای او هم کلام شما را فرستند یکسر سلام

که آرد شما را ز ظلمت برون سوی روشنائی شود رهنمون

که بر مؤمنانست بس مهربان بر آنان رحیم است رب جهان

که از دیگر برکات انس با قرآن کریم در عرصه زندگی است. رحمت الهی به مسلمانها و به مؤمنین به او و به بندگان او این است که اگر آنها دل از برخی دلبستگی‌های کوچک و ضعیف بکنند و در مقابل موج کفر و فساد و استکبار بایستند، خدای متعال به آنها کمک می‌کند؛

**مقام معظم رهبری :** هیچ‌کس باور نمی‌کرد در قلب دنیای اسلام، آن‌جایی که از اطراف در زیر فشارهای امریکا و صهیونیسم بود، قدرت اسلام به صورت جمهوری اسلامی سریلند کند.

این نهال غرس شد، روید، ثمربخش و تناور شد و روزبه‌روز به فضل پروردگار و به حول و قوه‌ی الهی و علی‌رغم دشمنان اسلام تناورتر و مستحکمتر خواهد شد؛ این تجربه‌ای است در پیش روی ما. ۱۳۸۳/۶/۲۳

## انس اولیاء الله با قرآن انس علی (علیه السلام) با قرآن

حضرت از آغاز اسلام، و نبوت پیامبر گرامی کاتب وحی بود.

در این باره ام سلمه می گوید: جبرئیل سخن خدا را به رسول گرامی ابلاغ می کرد و آن حضرت آن را به علی (علیه السلام) املا می نمود و ایشان می نوشتند

انس علی (علیه السلام) با قرآن به حدی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره او می فرمود **عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ** این علی با قرآن و قرآن با علی است این دو از هم جدا نمی شوند تا روز قیامت کنار حوض کوثر، بر من وارد شوند.

علی (علیه السلام) بسیار قرآن می خواندند، آن هم تلاوت و تدبر و تفکر و با پیاده کردن آن و به کار بستن دستورات و اجرای حدودش، روح و روان خود را سیراب می نمود.

عبارتهای نهج البلاغه، نشان از این دارد که آن حضرت، نه تنها سخنانش را از متن و بطن قرآن استخراج کرده، بلکه در ۱۴۲ مورد تمام آیه یا قسمتی از آن را به طور مستقیم کنار گفتارش به کار برده است.

آن حضرت در زمان خلافتش، در بازارهای کوفه قدم می زد و به راهنمایی مردم و کسبه بازار می پرداخت

هنگامی که از کنار فروشندگان عبور می کرد، مکرر تلاوت می فرمود

**تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجَعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** این سرای آخرت (و بهشتها و نعمت هایش) را تنها برای کسانی قرار

می دهیم که در زمین اراده برتری جویی و فساد ندارند؛ و عاقبت برای پرهیزکاران است (قصص ۸۳)

که خود ملك عقبی کسی را سزد      که او از فساد و عُلو دم نزد  
کسی را نکو گشت فرجام کار      که همواره او بود پرهیزکار

این آیه درباره زمامداران عادل و متواضع و سایر قدرتمندان جامعه نازل شده است.

او به قدری با قرآن مانوس بود که حتی وقتی شمشیر کینه مفسدان بر سرش فرود آمد، اندکی از خاک محراب را روی زخم سرش ریخت و تلاوت فرمود مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (طه ۵۵)

شما را همی خلق کردم ز خاک      به آن بازگردید بعد از هلاک

بیاید بیرون دگر بار از آن      گزینید ماوا به دیگر جهان

تمام ابعاد زندگی علی (علیه السلام) در ظاهر و باطن، هماهنگ با قرآن بود، بطوری که طرفداران حق، او را قرآن ناطق خوانده اند.

محقق معروف اهل سنت محمد احمد نوای : علی (علیه السلام) همه قرآن را حفظ کرد، بر اسرارش آگاه شد و گوشت و خونسش با قرآن در آمیخت.

## انس امام حسن (علیه السلام) با قرآن

امام حسن (علیه السلام) دائماً با قرآن مانوس بود و موقع تلاوت قرآن وقتی به آیه یا ایها الذین امنوا میرسید، فریادش بلند می شد و می فرمود

لبیک لبیک گویا خداوند متعال، مستقیم او را مخاطب قرار داده و آیه، فقط شامل حال او می شود و او نیز با لبیک گفتن خود، جواب خدا را می دهد. فقط، قرآن را تلاوت نمی نمود بلکه سعی می کرد که با تمام مفاهیم آن عمل نماید (و لو بعضی از مفاهیم که به نظر ما کوچک و بی ارزش می آید)

انس بن مالک می گوید: یکی از کنیزان امام مجتبی (علیه السلام) شاخه گلی به امام هدیه کرد. حضرت آن را گرفت و فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم. عرض کردم به راستی شما به خاطر اهدای یک گل ناچیز او را آزاد کردید؟ فرمود خداوند در قرآنش ما را چنین آموزش داده و ادب نموده است. بعد این آیه را تلاوت فرمودند  
إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (نساء ۸۶).

چو شخصی بگوید شما را سلام به پاسخ دهید سلامی تمام

همان گونه یا بهتر اندر جواب به پاسخ برانید اسب خطاب

حساب همه کار را کردگار شمارش نماید به روز شمار

(ای انس) پاسخ بهتر، (آن کنیز) آزاد کردنش در راه خدا بود (من او را آزاد کردم تا به این آیه عمل نموده باشم) با آرزوی حیات و سلامتی و شادی دیگران همراه باشد، در اسلام، تشویق به سلام به دیگران شده، چه آنان را بشناسیم یا نشناسیم. و بخیل کسی شمرده شده که در سلام بخل ورزد.

و پیامبر به هر کس می‌رسید حتی به کودکان، سلام می‌داد.

در نظام تربیتی اسلام، تحیت تنها از کوچک نسبت به بزرگ نیست، خدا، پیامبر و فرشتگان، به مؤمنان سلام می‌دهند. (به آداب سلام در روایات مراجعه شود).

۱- رابطه‌ی عاطفی خود را نسبت به یکدیگر گرم‌تر کنید. فحیوا باحسن

۲- ردّ احسانِ مردم نارواست، باید آن را پذیرفت و به نحوی جبران کرد. باحسن منها

۳- پاسخ محبت‌ها و هدایا را نباید تأخیر انداخت. حرف فاء در کلمه «فحیوا»

۴- پاداش بهتر در اسلام استحباب دارد. «فحیوا باحسن منها»

۵- در پاسخ نیکی‌های دیگران، ابتدا به سراغ پاسخ بهتر روید، اگر نشد، پاسخی مشابه.

۶- در جنگ هم اگر دشمن پیشنهاد صلح کرد، شما با رحمت بیشتری بپذیرید، یا مقابله به مثل آن را بپذیرید. «حیتم بتحیة فحیوا باحسن منها»

۷- از تحیت‌های بی‌جواب نگران باشید، که اگر مردم پاسخ ندهند، خداوند حساب آن را دارد و نه عواطف مردم را بی‌جواب گذارید، که خداوند به حساب شما می‌رسد.

## انس امام حسین (علیه السلام) با قرآن

امام حسین علیه السلام نه تنها شاگرد مکتب قرآن که عدل و شریک قرآن است از این روست که در فرازی از زیارتنامه شریفش **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا شَرِیکَ الْقُرْآنِ** و در حدیث «ثقلین» نیز همدوشی امام به عنوان قرآن ناطق و قرآن به عنوان امام صامت گردیده **إِنِّي تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِیْ أَهْلَ بَیْتِیْ فَإِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ** .

عبدالرحمان به فرزند امام حسین **الحمد لله رب العالمین** را آموخت، وقتی که آن را بر پدر خواند، حضرت هزار دینار را به او بخشید و دهان او را پر از طلا کرد. از آن حضرت دلیل آن سؤال شد. حضرت پاسخ دادند: چگونه می توان کار او را [تعلیم قرآن] با این پاداش مقایسه کرد؟!

امام عاشق و دلباخته قرآن بوده و اکثر اوقات، مشغول تلاوت آن، بخصوص در دل شبها که با خدای خود خلوت می کرد.

بعد از ظهر روز نهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، هنگامی که دشمن می خواست به سوی خیمه ها، حمله کند، امام به برادرش ابوالفضل العباس فرمود: برو و به آنها بگو امشب را به ما مهلت بدهند، من نماز و تلاوت قرآن و دعا و استغفار را بسیار دوست دارم .

امام حسین آن قدر با قرآن مانوس بود تا جایی که سر بریده آن حضرت، در چند جا به مناسب حال، آیاتی از قرآن را تلاوت فرمود: مردم بهت زده و متحیر با چشمانی پر از اشک متوجه آن صدا می شوند و با شگفتی می بینند، یکی از آن سرهای بریده است که قرآن تلاوت می کند، چشم ها را در آن دوختند و حرکت لبها را مشاهده می کردند و می خواستند بشنوند چه آیه ای را تلاوت می کند.



أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾ كهف ۹ ای  
رسول! آیا تو می پنداری که داستان اصحاب کهف و رقیم در میان آن همه آیات  
خلقت آسمانی و زمینی از آیات عجیب ما است؟!

تو آیا گمان می کنی ای سلیم                      که قصه است اصحاب کهف و رقیم  
ولی ماجرائی ست بس آشکار                      خبر ز آن بدادست پروردگار

از هیبت این سخن و اعجاز سر بریده و تلاوت قرآن، موی بر بدن من راست  
شد.

گفتم : والله ! سر بریده تو که تلاوت قرآن می کند، از قصه اصحاب کهف و رقیم  
عجیب تر است !

یکی دیگر از جاهای مجلس یزید بود. وقتی آن ملعون بر سر مقدس امام توهین  
کرد، سر بریده، شروع به قرائت قرآن نمود :

سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ و آنانکه ظلم و ستم کردند (در حق  
آل رسول و اهل ایمان) بزودی خواهند دانست که در دوزخ به چه کیفر گاهی  
انتقال پیدا می کنند (شعراء ۲۷۷).

ستم پیشگان خود بدانند زود                      کدامین مکانست جای خلود

تلاوت این آیات در آن مجلس باعث رسوایی یزیدیان شد و حاضرین را منقلب  
نموده، طوری که عده ای مسلمان شدند!

امام حسین از زمان حرکت به سوی کربلا تمام وقایع را با قرآن پاسخ و استناد می  
کردند و حتی بعد از شهادتش بالای نیزه آیاتی را تلاوت نمودند.

## انس امام سجاد (علیه السلام) با قرآن

امام چنان با قرآن انس داشت که گویا با وجود آن، کس دیگر را نمی دید و آن را مونس حقیقی خود می پنداشت، تا جایی که می فرماید: اگر همه انسانهایی که در بین مشرق و مغرب هستند، بمیرند، چون قرآن با من باشد، از تنهایی باک و هراسی ندارم.

شیوه آن حضرت چنان بود که هنگام تلاوت سوره حمد وقتی به آیه **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** می رسید، آن قدر تکرار می کرد که نزدیک بود روح از کالبدش بیرون رود. روزی امام سجاد (علیه السلام) مشغول نماز بود، حالتی به او عارض شد و بر زمین افتاد. چون به هوش آمد، علت این پیش آمدن را از او پرسیدند فرمود:  
پیوسته آیه **إِنِّي أَنَا اللَّهُ** را با زبان قلبم تکرار کردم، تا این که همان آیه را از زبان گوینده آن شنیدم.

اندامم تاب دیدار او را نداشت، از خود بی خود شدم، و جسمم توانایی مشاهده قدرت او را از دست داد

نقل شده: شبی آن جناب برای عبادت برخاست، آن حضرت دست در ظرف آب کرد تا وضو بگیرد، در این اثنا به فکر آیات خلقت افتاده، سر را بالا نمود و نظر به آسمان و به ماه و ستارگان انداخت و به فکر و اندیشه در خلقت آنها مشغول شد

این حالت همچنان ادامه یافت تا صبح فرا رسید و موذن اذان گفت، در حالی که هنوز دست مبارک امام (علیه السلام) در ظرف آب بود.

روزی یکی از کنیزان امام سجاده (علیه السلام) آب آورد تا ایشان آماده نماز شود، ناگهان ظرف آب از دست کنیز افتاد و صورت مبارک آن حضرت آسیب دید.  
امام سر مبارک خود را بلند کرد و نگاهی به کنیز انداخت. او وحشت کرد و از ترس گفت:

خداوند در قرآن فرموده (آل عمران ۱۳۴) **وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ** از جمله صفات مومنان این است که موقع غضب خشم خود را فرو می برند حضرت فرمود: من هم خشم خود را فرو بردم .

کنیز جرئت پیدا کرد و گفت : قرآن می فرماید: **وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ** مردم را در برابر جرمشان عفو کنند و از جرمشان می گذرند.  
امام فرمود: تو را عفو کردم.

کنیز از اخلاق نیک امام استفاده کرد و گفت **وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ** خداوند نیکوکاران را دوست دارد.  
امام فرمود: ای کنیز! تو در راه خدا آزاد هستی.

نشانند هم خشم خود را فرو ببینند      گر بد، کنند عفو از او

چنین اند مردان شایسته کار      که باشد خداوندشان دوستدار

## انس حضرت رضا (علیه السلام) با قرآن

حضرت با قرآن مانوس بود و بیشتر اوقات آن را تلاوت می نمود. به طوری که گفته شده ایشان با مردم کمتر سخن می گفت. پاسخ ها و مثال هایی که در ضمن گفتارش می آورد، از قرآن نشأت گرفته بود. آن حضرت در هر سه شبانه روز یک بار، تمام قرآن را تلاوت می کرد و می فرمود: اگر بخواهم، می توانم در کمتر از سه روز آن را ختم کنم؛ ولی هرگز به هیچ آیه ای نمی رسم، مگر این که در معنی اش می اندیشم. درباره این که در چه موضوع و چه وقت نازل شده، فکر می کنم.

امام رضا (علیه السلام) هنگامی که شب در بستر خویش قرار می گرفت، بسیار قرآن تلاوت می کرد، و آنگاه به آیه ای می رسید که در آن از بهشت یا آتش دوزخ یاد شده بود، می گریست

امام رضا (علیه السلام) فرمود: اگر سوال شود که چرا خداوند امر فرموده تا در همه نمازها فقط سوره حمد خوانده شود، در پاسخ می گوئیم: برای این که قرآن متروک نشود، همراه نمازگزاران با قرآن ارتباط داشته باشد و آن را از یاد نبرد، انتخاب سوره حمد از این جهت است که همه معارف و مفاهیم قرآن در آن جمع است .

حال که ائمه علیهم السلام چنین نسبت و خویشاوندی محکمی با قرآن دارند باید تفسیر قرآن را در آنان جست که در وجود آنها کرامت ها و فضیلت های قرآن و گنج های الهی نهفته فیهم کوائم القرآن و هم کنوز الرحمان انس آدمی با هر چیز ریشه در ارج و اهمیتی دارد که انسان برای آن چیز قائل است.

اهل بیت فرزندان پیامبر و شاگرد مکتب قرآن اند پس چگونه گفتار و مواظب شان متکی به قرآن نباشد .

امامان گوهر تابناک و چراغ درخشانی هستند که همواره بر تارک تاریخ درخشیده و درخشیده اند. رسولُ الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: **انی تارکُ فیکمُ الثَّقَلینِ کتابُ الله و عترتی اهلِ بیتی فَأَنْهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَی الحَوْضِ** حال که ائمه (علیهم السلام) بطور عام چنین نسبت و خویشاوندی محکمی با قرآن دارند باید تفسیر قرآن را در آنان جُست که در «وجود آنها کرامت‌ها و فضیلت‌های قرآن و گنج‌های الهی نهفته است.»

«**فِیْهِمْ کَوَائِمُ الْقُرْآنِ وَ هُمْ کُنُوزُ الرَّحْمَانِ**» لذا می‌توانیم فرازهایی از آیات نورانی قرآن را در سیره‌ی علمی و عملی ائمه (علیهم السلام) را جستجو کنیم و آیات این کتاب صامت را با نور وجود این پرتو درخشنده به نطق آوریم. اگر چه ما را هرگز یارای آن نیست که عمق شخصیت آن دریای علم و معرفت و اخلاق و معنویت را بپیماید.

### **انس پرهیزکاران با قرآن**

علی (علیه السلام) درباره انس پرهیزکاران با قرآن می‌فرماید: آن‌ها در دل شب بر پا ایستاده، قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می‌کنند. جان خود را با آن محزون و داروی درد خود را از آن می‌گیرند. هرگاه به آیه‌ای که در آن تشویق است می‌رسند، با علاقه فراوان به آن روی آورده و چشم‌جانشان با شوق بسیار در آن خیره شده و آن را نصب‌العین خود می‌سازند. هرگاه به آیه‌ای که در آن بیم و انذار است می‌رسند، گوش‌های دلشان را برای شنیدن آنها باز کرده، فکر می‌کنند که صدای ناله آتش سوزان دوزخ و به هم خوردن زبانه‌هایش در گوش‌جانشان طنین انداز است. هیچ‌کس با قرآن همنشین نمی‌شود مگر این‌که از کنار آن با فزونی یا نقصان برمی‌خیزد. فزونی در هدایت و نقصان از گمراهی.

## انس امام خمینی به قرآن

### نمونه‌ای از تکریم ظاهر قرآن را می‌خوانیم:

امام خمینی به‌طور معمول در حسینیه جماران روی صندلی می‌نشست، ولی یک روز وقتی وارد حسینیه شد، با اینکه صندلی در جای خود بود، روی زمین نشست؛ زیرا آن روز نفرات ممتاز مسابقات قرآن آمده بودند و قرار بود در آن جلسه چند آیه از قرآن تلاوت شود.

روزی دیگر امام خمینی طبق معمول روی صندلی نشست، که قرآنی آوردند و روی زمین گذاردند، امام وقتی متوجه شد، بی‌درنگ آن را برداشت، روی میزی که در کنارش بود، گذاشت و فرمود: قرآن را روی زمین نگذارید.

امام خمینی علاقه فراوانی به تلاوت قرآن و تحقق آرمانهای آن داشت. به عظمت آن توجه عمیق و مداوم می‌کرد، به‌طور جدی مقید بود تا در ظاهر و باطن، به قرآن احترام گذاشته شود.

آن رهبر الهی، همواره قرآن را کتاب کامل انسان ساز معرفی می‌کرد، با آن انس بسیاری داشت و به آن احترام خاصی می‌گذاشت.

ایشان در شبانه روز، به‌خصوص هنگام نماز شب، به تلاوت قرآن می‌پرداخت، در هر فرصتی، مشغول تلاوت می‌شد، هر سال چند روز قبل از ماه مبارک رمضان، دستور می‌داد برای افرادی که مورد نظر مبارکش بود، چند بار قرآن قرائت شود. حتی در روزهای آخر عمر، که در بستر بیماری بود، دورین مخفی لحظه‌های دشوار زندگی‌اش را ثبت کرد مشغول تلاوت آن بود.

آری، او در ظاهر و باطن به قرآن انس داشت و در سایه همین ویژگی، توانست آن همه عزت و افتخار برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورد.

## تأثیر قرآن بر جان های مشتاق

قرآن برای عده خاصی نازل نشده؛ بلکه آمده تا عموم مردم از معارف و راهکارهای آن بهره مند شوند؛ اما در نهایت کسانی از آن بهره خواهند برد و این نسخه دل هایشان را شفا خواهد داد که آن را باور و به دقت از آن پیروی کنند. به همین علت در رفتار و اعمال امام خمینی در مبارزه با طاغوت زمان را در بیانات و مصاحبه ها و سوالاتی که از ایشان باقی است، می توان انس ایشان و پیروی از آیات را احساس کرد.

### رہایی از تاریکی ها و قدم در سرزمین نور

در فرهنگ قرآن کریم، فضایی که در آن جهل و نادانی، نبود معارف الهی حاکم است، ظلمتکده ایست که در آن، جان آدمی از تعلیم و تربیت باز می ماند و نمی تواند راه رسیدن به سعادت را پیدا کند و قدم در جاده نور گذارد.

قرآن کریم این دو فضا را یکی به ظلمت نامیده و دیگری را نور ستوده و از معارف قرآن به عنوان وسیله ای الهی برای عبور از آن تاریکی ها به این روشنایی یاد کرده.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ (مائده ۱۵)

رسولی بحق آمد از ما فرود

الا ای نصارا الا ای یهود

نمودید پنهان خلاف صواب

که بسیار آیات را کز کتاب

به سوی هدایت شود رهنمون

برای شما فاش سازد کنون

که سر می زند گاهگاه از شما

ببخشاید آن کارهای خطا

ز یزدان بیامد که جوئید دین

که نوری عظیم و کتابی مبین

و بهره‌گیری از قرآن بدون تعلیم و تربیت رسول خدا و تربیت یافتگان مکتب او امکان‌پذیر نیست. آن حضرت را به خارج‌کننده پیروان قرآن از تاریکی به نور نامید

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ.

اما سجاد علیه السلام در دعای ۴۲ صحیفه این ویژگی قرآن را این‌گونه بیان می‌کند:

وَجَعَلْتَهُ نُورًا نَهْتَدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ؛ (خدایا!) قرآن را نوری قرار دادی که با پیروی از آن، در تاریکی‌های گمراهی و نادانی، راه را پیدا کنیم.

### بصیرت افزایی

امام صادق علیه السلام قرآن کریم را مایه بصیرت افزایی معرفی می‌کند و به کسانی که به دنبال این ابزار لازم برای هدایت می‌گردند توصیه می‌فرماید که از قرآن بهره‌گیرند و با اندیشیدن در معارف و رهنمودهای آن، بصیرت خود را افزایش دهند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنَارُ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، فَلْيَجْلُ جَالِ بَصَرَهُ، ....؛ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةٌ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ

در این قرآن، علائم راهنما و چراغ‌هایی برای دید در تاریکی وجود دارد پس کسی که به دنبال جلا دادن به دل و دیده خویش است باید دیده خویش را بدان، جلا دهد و نگاهش را برای پرتو آن، بگشاید؛

زیرا اندیشیدن [در قرآن]، حیات بخش دل شخص بیناست، همچنان که آدمی در تاریکی‌ها، به کمک نور، راه خود را می‌یابد.



## عمل به دستورات قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : ایمان نیاورده است به قرآن کسی که حلال بداند چیزهای را که قرآن حرام کرده است (بحارالانوار ج ۷۷، ص ۱۶۰)

**تلاوت قرآن در خانه :** نورانی کنید خانه های خودتان را به تلاوت قرآن و آن را قبرستان قرار ندهید مانند کاری که یهود و نصاری کردند، نماز را در کلیساها و (کنیسه ها) خواندند و خانه های خود را معطل گذاشتند، پس به درستی که اگر زیاد شود تلاوت قرآن در خانه ای خیر و وسعت برای اهل آن زیاد می شود و آن خانه می درخشد و به اهل آسمان نور می دهد، آنچنان که ستاره های آسمان به اهل زمین نور می دهد و می درخشد (بحارالانوار ج ۹۲، ص ۲۰۰)

همین مطلب می تواند دلیل این سخن رسول خدا ص باشد که فرمود: **إِنَّ لِلْقُلُوبِ صَدًّا كَصَدِّ النَّحَاسِ، فَاجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ** دلها نیز همچون مس، زنگار می گیرند؛ پس آنها را با آمرزش خواهی و تلاوت قرآن، جلا دهید. چرا که قلب زنگار گرفته قلب بیمار و پیچیده در جرمی ضخیم است که قدرت فهم و دید آن از بین رفته است و این قرأت قرآن است که می تواند آن را از بین برده و بصیرت سابق را باز گرداند مراد از بیماری قلب، بیماریهای روحی، عقیدتی، اخلاق، تربیتی و مانند آن است.

هر چند برخی از علما با استناد به برخی روایات مانند روایات شفا بخشی سوره حمد برای تمام بیماریها؛ بر این عقیده اند که این بحث، اختصاصی به بیماریهای روحی نداشته و بیماریهای جسمی را هم می توان با قرآن درمان کرد. (اصول کافی جلد ۴ ص ۴۰۰ ح ۵)

## قرآن ، مونس دلها

علی علیه السلام یکی از ویژگی های قرآن را همدمی با دلها معرفی میکند آن هم همدمی که با وجود او انسان دیگر احساس تنهایی نمیکند **مَنْ أَنَسَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، لَمْ تَوْحِشْهُ مُفَارَقَةَ الْإِخْوَانِ** کسی که با تلاوت قرآن انس گیرد، از جدایی برادران، احساس تنهایی نخواهد کرد. بی تردید مراد از این انس و همدمی حضور بدنی در کنار نسخه چاپی قرآن نیست؛ بلکه منظور، ارتباط معنایی و معرفتی با این کتاب آسمانی است؛

حقیقت انس با قرآن چیست که انسان را این گونه استوار و نیرومند می‌سازد، و هرگونه اضطراب و تنش را از او دور می‌کند؟ پاسخ آن که: انس در اصل به معنای خو گرفتن و همدم شدن است، مانند انس کودک شیرخوار به سینه مادر، و گاهی انس آن چنان شدید و سرشار است، که از انس کودک شیرخوار به سینه مادرش نیز بیشتر است، چنان که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در برابر منافقان کوردلی که او را به مرگ تهدید می‌کردند، فرمود: **وَ اللَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِثَدْيِ أُمِّهِ**؛ سوگند به خدا علاقه فرزند ابوطالب به مرگ (شهادت) از علاقه کودک شیرخوار به پستان مادرش بیشتر است.

عارف حقیقی کسی است که با خدا و کلام او چنین انس و الفتی داشته باشد، که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در توضیح آیه **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ**؛ ای انسان چه چیز تو را به پروردگارت مغرور ساخته است. فرمود: **وَ كُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا وَ بَدِئِهِ أَنَسًا**؛ مطیع خداوند باش و به یاد خدا انس بگیر.

بنابراین مفهوم انس حقیقی، همان همدم شدن آمیخته با عشق و علاقه گرم و ناگسستنی است که ارتباط و پیوند انسان را به آن چه که مورد انس اوست محکم

و متصل می‌کند، چنین انسی با خدا و کلام خدا (قرآن) از ویژگی‌های اولیای خدا و هر مؤمن عارف و وارسته است، چنان که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مقام دعا می‌گوید: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسِينَ لِأَوْلِيَائِكَ ... إِنَّ أَوْحَشَتَهُمُ الْغُرْبَةُ أَنْسَهُمْ ذِكْرُكَ؛** خدایا! تو برای اولیا و دوستان خاصت، مانوس‌ترین مونس‌ها هستی... اگر غربت آنها را به وحشت اندازد، یاد تو مونس تنهایی آنهاست. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید **لَوْ مَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنَ مَعِيَ** اگر همه مردمان، از مشرق تا مغرب عالم بمیرند، با بودن قرآن در کنار من، هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کنم.

### افزایش ایمان

یکی دیگر از تاثیرات قرآن بر جانها که قرآن کریم و روایات بر آن تاکید دارند افزایش ایمان است. **وَ إِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ** (توبه ۱۲۴)

دورویان بگویند خیرش چه بود؟

هرآنکه که يك سوره آید فرود

چنین سوره آیا چه نفعی بداد؟

کدامینتان را شد ایمان زیاد

بر ایشان بیفزود شوق و صفا

فزون گشت ایمان اهل خدا

**إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا** (انفال ۲)

رود نام و ذکر خدای جهان

کسی هست مؤمن که چون در میان

که دارد همی ایزد ذوالجلال

هراسان بگردد دلش ز آن کمال

فزون گردد ایمانشان در طلب

بر آنها چو خوانند آیات رب

## در انجام هرگونه اعمال و کار      توکل نمایند بر کردگار

مومنان، کسانی اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد و چون آیات او برایشان خوانده شود، بر ایمانشان افزوده گردد.

دلیل این امر ایمان و یا همان زمینه مناسبی است که ایشان در جان خود پدید آورده اند تا این تقویت کننده الهی جان آنها را قوت بیشتری بخشد و گرنه کسانی که این آمادگی را ایجاد نکرده اند؛ نه تنها با شنیدن آیات الهی تقویت نمی شوند؛ بلکه بر بیماری درونیشان نیز افزوده می گردد

۱- ایمان، مراتبی دارد و قابل کم و زیاد شدن است، همان گونه که نفاق، قابل توسعه و افزایش است.

۲- قرآن، وسیله‌ی خوبی برای شناخت مؤمن از منافق است

۳- احساس شادی و نشاط روحی پس از شنیدن آیات قرآن، نشانه‌ی تکامل و رشد ایمان است. **فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ** قرآن، مایه‌ی بشارت و مژده به اهل ایمان است.

نشانه‌ی ایمان کامل آن است که دل مؤمن با یاد خدا خشیت پیدا کند، **وَجَلَتْ قُلُوبُهُمْ**، با تلاوت و یادآوری آیات الهی، بر ایمانش افزوده شود، **زَادَتْهُمْ إِيمَانًا** و توکل بر خدا کرده، **يَتَوَكَّلُونَ** نماز را به پا دارد، **يُقِيمُونَ** و به دیگران نیز کمک می‌رساند. **يُنْفِقُونَ**

این آیات درباره امیرالمومنین علی علیه‌السلام و ابوذر و سلمان فارسی و مقداد نازل شده است.

## تأثیر قرآن بر جسم انسان

**اول** درباره تأثیر قرآن در جسم انسان، شفا بودن آن، شفا یافتن قلب از صفاتِ پست، شفا پیدا کردن جسم از امراض گوناگون و صعب العلاج، کسانی که از قرآن و سوره ها و آیاتش شفای دردهای خود را گرفته اند، توسل به قرآن، شهادت و شفاعت آن و بی نیازی مردم به واسطه پیوند با قرآن.

**دوم** درباره تأثیر قرآن، بر قلب و جان انسانهای مومن و کافر، انسان های ظالم و ستم گر، انسان های عیاش و هرزه، حاکمان و سلاطین و مردان و زنان.

### قرآن؛ شفای جسم و روح

قرآن شفای جسم و جان آدمی است و همان گونه که می توان با قرآن، دردهای روحی و روانی و فکری را درمان کرد، می توان دردهای جسمی و بدنی را نیز به وسیله قرآن درمان کرده و از بیماری نجات داد .

کاربردهای دعا و نیایش نیز این گونه است؛ چرا که انسان همان طوری که می تواند از اسباب مادی برای درمان بهره گیرد، می تواند از اسباب فرامادی و معنوی نیز بهره مند شود، بلکه باید گفت که آن کسیکه در اسباب مادی، معجزه درمان را نهاده در دعا و آیات قرآنی نیز معجزه دعا را قرار داده است؛ زیرا به حکم توحید فعلی، شفا تنها در دست اوست و انسان می بایست شفا و درمان را از شافی بخواهد که پزشک و درمان مادی و غیرمادی را اسباب شفا قرار داده است .

شفا از «شفی» به معنای تحت اشراف و اختیار در آوردن جسم و جان و چیرگی بر دشمنی است که می کوشد تا بر جسم و جان غلبه یافته و اختیار آن را در دست گیرد. این عمل درمانی را شفا می گویند.

در آیات قرآنی برای بیان این مفهوم و مقصود، واژگانی غیر از شفا چون براء و کشف از ضرر نیز به کار رفته است. براء به معنای براءت و رهایی و آزادی است. نکته دیگر آنکه در آیات قرآنی شرّ به خدا نسبت داده نمی شود؛ زیرا شرّ و بدی به معنای نقص است و هرگز خداوند امری را ناقص و غیرکامل نمی آفریند، بلکه موجودات خود به دلایل و عللی از تمامی کمال بهره‌مند نمی‌شوند و اسم شرّ بر آن نهاده می‌شود.

باید توجه داشت که مرگ نقص نیست، بلکه کمالی برای آدمی و هر موجودی است تا از نشئه‌ای به نشئه دیگر در آید. شفا به معنای تحت اشراف و اختیار در آوردن جسم و جان و چیرگی بر دشمنی است که می‌کوشد تا بر جسم و جان غلبه یافته و اختیار آن را در دست گیرد. این عمل درمانی را شفا می‌گویند.

## قرآن شفا است

خداوند می‌فرماید: قرآن شفای هر دردی است. شفای ظاهر و باطن، شفای جسم و روح، شفای برون و درون کلمه شفا در قرآن، سه بار بیان شده است که عبارت از: **وَ نَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** (اسراء ۸۲) خداوند در آیه از شفابخشی قرآن سخن به میان می‌آورد.

هر آنچه ز قرآن فرستاده ایم      شفا هست و رحمت که خود داده ایم

رسد پرتوش بر همه مؤمنان      ولی ظالمان را فزاید زیان

هر چند که به نظر می‌رسد که این شفابخشی به علت طبیعت قرآن و فلسفه نزول، در حوزه روح و روان باشد که همان حقیقت انسان است، ولی چون که کالبد انسانی نقش مهمی در حرکت‌های هدایتی و کمالی انسان بازی می‌کند،

شفابخشی قرآن به کالبد نیز تعلق می‌گیرد. افزون بر این که خداوند در این آیه، شفابخشی را به قرآن نسبت می‌دهد و آن را محدود به جان و روح یا روان نمی‌کند. **قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً** (فصلت ۴۴) ای پیامبر! به مردم بگو، این قرآنی که در میان شما است، از برای آن کسانی که ایمان آورده اند هدایت و شفای درد آن هاست.

### بر افراد مؤمن کتاب خدا ز بهر هدایت رسید و شفا

قرآن کریم خود را نسخه ای معرفی میکند از سوی درد آشنای خالق که بشر را آفرید و به تمام مشکلات او آگاه است و داروی و درمان هر دردی را که انسان در مسیر تکامل و تربیت به آن دچار می‌شود را می‌شناسد و بر او عرضه میکند:

**يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ** (یونس ۵۷)

### الا مردمان پُر ز اندرز و سود کتابی بیامد از ایزد فرود

که دل‌هایتان را ببخشد شفا نماید پر از لطف و نور و صفا

هدایت کند مؤمنان را به راست که این رحمت از سوی یکتا خداست

و امیرالمؤمنین (علیه السلام): قرآن شفا است از این کتاب، برای بیماری های خود شفا بخواهید، در مشکلات، از آن یاری طلبید؛ چرا که در این کتاب، درمان بزرگترین دردهاست درد جسم و جان، درد کفر و نفاق، درد گمراهی و ضلالت. بر شما باد بر کتاب خدا (قرآن)، به درستی که آن ریسمان محکم الهی و نوری روشن و شفایی، سودمند است.

(ریسمانی که چنگ زندگان به آن، از بدبختی و آتش جهنم نجات پیدا می کنند، نور روشن عقلی که به وسیله آن، احوال مبدا و معاد کشف می شود و از تاریکیهای جهالت و کفر بیرون می آید، شفای سودمندی است که به واسطه آن امراض باطنیه و نفسانیه معالجه می شوند) قرآن کریم سرشار از برکات و تاثیرات تربیتی و اخلاقی به شرط آنکه انسان به آن ایمان داشته باشد و با دل و جان معارف و فرامینش را بشنود و به آن عمل کند که اگر این مهم محقق شد؛

### شفای دلها

نکته مهم در این آیه قبل اختلاف تعبیر ابتدا و انتهای آن است. که در آغاز، مخاطب تمام انسانها هستند و در پایان، فقط گروه مومنان. پیام آیه این است که قرآن برای عده خاصی نازل نشده؛ بلکه آمده تا عموم مردم از معارف و راهکارهای آن بهره مند شوند؛ اما در نهایت کسانی از آن بهره خواهند برد و این نسخه دل هایشان را شفا خواهد داد که آن را باور و به دقت از آن پیروی کنند. بر همین اساس امیرالمومنین (علیه السلام) در توصیف قرآن فرمود: **كَلَامُ اللَّهِ دَوَاءُ الْقَلْبِ** کلام خدا، داروی دل است **إِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ؛ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْعِي وَ الضَّلَالُ** در قرآن، درمان بزرگترین دردهاست: درد کفر و نفاق و انحراف و گمراهی.

مراد از بیماری قلب، بیماریهای روحی، عقیدتی، اخلاق، تربیتی و مانند آن است. هر چند برخی از علما با استناد به برخی روایات مانند روایات شفابخشی سوره حمد برای تمام بیماریها؛ بر این عقیده اند که این بحث، اختصاصی به بیماریهای روحی نداشته و بیماریهای جسمی را هم می توان با قرآن درمان کرد. «شفاء لما فی الصدور» یعنی مایه ی پاکی روح و قلب از آفات روحی است. زیرا امراض روحی



سخت تر از امراض جسمی است و هنر قرآن نیز در همین شفابخشی به امراض روحی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **اذا التبست علیکم الفتن کاللیل المظلم فعلیکم بالقرآن فانه شافع مشفع...** در هجوم فتنه های تیره و وحشتناک، به قرآن پناه برید که هم موعظه است، هم شفا، هم نور و هم رحمت (بحار، ج ۹۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: **شفاء لما فی الصدور من الامراض الخواطر و مشبهات الامور قرآن**، برای تمام امراض روحی و شبهات و افکار شفاست. گویا آیه اشاره به مراحل چهارگانه ی تربیت و تکامل دارد، یعنی:

**الف:** مرحله ی موعظه، نسبت به کارهای ظاهری. (موعظة من ربکم)

**ب:** مرحله ی پاکسازی روح از رذایل. (شفاء لما فی الصدور)

**ج:** مرحله ی راهیابی به سوی مقصود. (هدی)

**د:** مرحله ی دریافت رحمت الهی. (رحمة للمؤمنین)

### **راهکارهای روان شناسانه قرآن برای درمان افسردگی**

مشکلات و شکست‌ها در زندگی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اندوه و در نهایت افسردگی است. افسردگی انسان را از حالت طبیعی و اعتدال خارج می‌کند و زمینه بسیاری از بدبختی‌های دیگر و گاه حتی خودکشی می‌شود. انسان در حالت افسردگی در نومی‌دی کامل قرار می‌گیرد و انگیزه حرکت و زندگی را از دست می‌دهد. احساس افسردگی، انسان ثروتمند و قدرتمند را در چنان حالتی قرار می‌دهد که دنیا با همه بزرگی و امکانات رفاهی و آسایشی آن برای او تنگ می‌شود. این تنگدلی و در نهایت دل‌تنگی‌هاست که بسیار خطرناک‌آفرین، زندگی شخص را تهدید به زوال

و نیستی می‌کند و شور و نشاط زندگی را از او سلب کرده و او را به خمودی می‌کشاند و خوره جان و تن می‌شود.

از سنت‌های الهی این است که آدمی را با مصیبت‌های گوناگون، از وابستگی و دلبستگی رهایی بخشد؛ چرا که انسان برای دنیا ساخته نشده؛ زیرا دنیا مکانی برای نشو و نمو انسان و گذرگاهی به سوی ابدیت اخروی است. پس هرگونه وابستگی، امری نادرست و رویه‌ای غلط و باطل است؛ چه رسد که انسان به این امور دلبسته شود و فراتر از وابستگی، به این امور تعلق و یا تعلق خاطر پیدا کند.

هرگونه علقه به این امور که از زینت‌های دنیا است نه زینت‌های انسان، موجب می‌شود که در صورت از دست دادن، احساس کمبود و ناکامی و شکست کرده و دچار افسردگی شود. از نظر قرآن هرگاه انسان، چیزی را از دست دهد که از آن او نیست، ولی بدان تعلق خاطر یافته و وابسته و دلبسته شده، احساس شکست و ناکامی می‌کند و دچار افسردگی می‌شود.

لذا وابستگی و دلبستگی را مهمترین علت و عامل در ایجاد افسردگی می‌شمارد.

## درمان افسردگی

خداوند در آیات قرآنی بیان می‌کند که اصولاً دنیا محل گذر انسان است و هرگونه تعلق و وابستگی و دلبستگی به آن، کاری بیهوده و لغو است. از همین زوایه دید است که از نظر خداوند زندگی دنیا به عنوان لهو و لعب مطرح می‌شود؛ زیرا نباید به عنوان یک اصل مورد توجه و طلب قرار گیرد.

هرگونه طلب دنیا، کاری بیهوده است و آدمی را از مقصد عالی دور می‌سازد. خداوند هنگامی که نسبت دنیا به آخرت را برای انسان تبیین می‌کند می‌فرماید که ماهیت زندگی دنیا، بازی، لهو، زینت، تفاخر و فزون طلبی و تکاثر در مال و

فرزند است و مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ  
أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام ۳۲)

پس این زندگانی دنیای پست      بجز لهو و لعبی مگر خود چه هست؟  
که از بهر افراد پرهیزکار      نکوتر بود اجر دار القرار  
نخواهید آیا تعقل کنید      در این، راست صحبت تأمل کنید

بدترین حالتی که انسان‌ها در زندگی دنیوی بدان گرفتار می‌شوند فراتر از طلب دنیا، دلبستگی به آن است به گونه‌ای که دنیا برای آنها محبوب و دوست داشتنی می‌شود در چنین حالتی، فقدان محبوب دشوارتر شده و اندوه و حزن به شدت افزایش می‌یابد و شخص را به جنون می‌کشاند. الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (ابراهیم ۳)

کسانی که دنیای فانی و خوار      گزینند بر روز دار القرار  
بکردند بر مردمان سد راه      که راهی نیابند سوی اله  
ره راست را کافران کج کنند      برآن پرده‌هایی ز شک می‌تنند  
که گمراه هستند قوم پلید      فتادند اندر ضلالی بعید

**بستن راه خدا به يك يا دو مورد خاص منحصر نیست،** بلکه تبلیغات ناروا، گناه علنی، ترویج ابزار فساد و غفلت‌آور، القای شبهه، ایجاد اختلاف، نشریات و فیلم‌های گمراه‌کننده، بد معرفی کردن دین حق، معرفی نااهلان به عنوان الگوی دین و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از مصادیق بستن راه خداست.

کامیابی از دنیا جایز است، اما ترجیح دنیا بر آخرت خطرناک است، زیرا دنیاگرایی مانع عبادت، انفاق، جهاد، کسب حلال، صداقت و انجام تکالیف شرعی می‌شود. دنیاگرایی، زمینه‌ی کفر، مبارزه با دین و ضلالت است. **يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ... فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ** سرچشمه‌ی گمراهی‌ها عملکرد خود انسان است **يَسْتَحِبُّونَ، يَصُدُّونَ، يَبْغُونَهَا** انسان اختیار دارد و می‌تواند راهی را بر راه دیگر ترجیح دهد و انتخاب کند.

در حالی که اصولاً از نظر انسان مؤمن که نگرش الهی دارد و برای او آخرت و ابدیت اصالت دارد، دنیا ابزاری برای آخرت سازی است. نگاه مؤمن به دنیا نگاه به ابزاری است که می‌بایست به درستی از کارکرد هر یک آگاه شد و آن را برای مقاصد اخروی به کار گرفت. دنیا و متعلقات آن هرگز برایش هدف نمی‌شود. انسان‌ها با توجه به فقر ذاتی **يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ** (سوره فاطر ۱۵) همواره دنبال غذا و بی‌نیازی هستند. از این‌رو، آن را در هر چیز کمالی می‌جویند.

**فقیرید بر درگه کبریا**

**الا مردمان جملگی شما**

**ستوده صفات است آن کردگار**

**ولی بی‌نیازست پروردگار**

همین مسئله موجب می‌شود که در مادیات دنیا، کمالاتی را جستجو کنند، در حالی که ذات دنیا ناپایدار و متغیر است و هرگز کمالات آن ثابت و باقی نیست، ولی اشتباه ادراکی و محاسباتی بشر موجب می‌شود تا بدان گرایش یافته و آن را به عنوان کمالی که فقرزداست بجوید خداوند برای اصلاح نگرش انسان به دنیا، از طریق عقل و وحی بر آن است تا بیان کند که کمال مطلق تنها در خداوند غنی

حمید است (و الله غنی حمید) و برای اینکه به غنای برسند می بایست خود را به خدا برسانند و خدایی شوند.

خداوند در آیه ۵۰ ذاریات از مردم می خواهد که از غیر خدا هر چیزی که هست بریده و منقطع شده و به سوی خدا بگریزند **فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ** در حقیقت از نظر خداوند دنیا همانند پیچکی است که آدمی را به گیر می اندازد و به بند می کشد و اجازه نمی دهد تا حرکت کمالی داشته باشد.

**به درگاه ایزد گریزید زود**                      **ز هر شر و فتنه که آید وجود**

**که ایزد فرستاد من را چنین**                      **که بر خلق باشم نذیری مبین**

لذا انسان ها باید از دنیا و متعلقات آن به سوی خداوندی که غنی حمید است بگریزند تا نجات یابند.

### **برخورد با انگیزه ها و درگیری روانی**

انگیزه های انسان بسیار متنوع و متعدد است. این تنوع و تعدد گاه باعث می شود که برخی از انگیزه ها با هم درگیر شوند؛ مثلاً انگیزه های انسان را به یکسو و انگیزه های دیگر او را به سوی مقابل می کشاند.

در این صورت به انسان حالتی دست می دهد که احساس سرگردانی و تردید می کند و از تصمیم گیری درباره تعیین سمت حرکت و شیوه عمل خود ناتوان می شود. چنین حالتی را «درگیری روانی» می گویند.

قرآن این درگیری روانی را که اشخاصی در برابر ایمان موضعی مشکوک و تردیدآمیز دارند و از آن رنج می برند، به خوبی به تصویر می کشد. این گونه افراد، کسانی

هستند که نه کاملاً به سوی ایمان می آیند و نه به طور کامل به طرف کفر می روند، بلکه در انتخاب حق و باطل مردد هستند و نمی توانند تصمیم نهایی را اتخاذ کنند. قرآن حالت درگیری روانی و سرگردانی را به خوبی توصیف نموده است.

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَ لَا يَضُرُّنَا وَ نُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَ أُمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام/۷۱).

بگو ای پیمبر که اینک چرا	نماییم یکتا خدا را رها
پرستیم چیزی مثال بتان	که نبوند قادر به سود و زیان
به خوی جهالت بگردیم باز؟	همان راه باطل نماییم ساز
اگرچند ما را یگانه اله	هدایت نمودست بر راست راه
نگردیم سرگشته چون آن کسی که	خورده فریبی ز شیطان بسی
که حیران و سرگشته روی زمین	بپوید ولی ره نیابد به دین
پس ابلیس را هست یاران چند	که بر خویش، کس را هدایت کنند
بگو آن هدایت بود نیک و راست	که تنها خود از سوی یکتا خداست
به ما امر این گونه گشته روان	که باشیم تسلیم رب جهان

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (توبه/۴۵)

فقط آن کسانی که بر کبریا	ندارند ایمان و روز جزا
گرفتار شگند اندر نهاد	طلب می نمایند ترك جهاد
همیشه بمانند اندر گمان	غریقند در ظلمتی جاودان

در آیات دیگری إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذْ أَقَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يُذْكَرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء ۱۴۲)

ببندد خداشان در حيله ليك

دورويان به نيرنگ كوشند نيك

به بي ميلي محض آيند باز

هرآنكه كه آيند اندر نماز

بپايند بهر نماز و دعا

فقط بهر نيرنگ و روي و ريا

سپس روح خود را پريشان كند

كمي با ريا ياد يزدان كند

نيز به اين حالت اضطراب و تردید اشاره شده. منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شمايند، چنانچه برای شما فتح و ظفري پيش آيد (برای اخذ غنيمت) گویند: نه آخر ما با شما بوديم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کرديم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نموديم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند، و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

## قرآن و نحوه مواجهه با آن

تدبر و تفسیر ماهیتاً متفاوتند. یکی از تفاوت‌های این دو نوع مواجهه این است که تدبر فعالیتی عمومی و همگانی بوده، اما تفسیر فعالیتی تخصصی و ویژه امام است. تدبر، فهم متن قرآن است که وظیفه همگانی است اما تفسیر، استنباط از قرآن جهت آوردن قرآن به عرصه اقامه و اجراست که اصالتاً به عهده امام و ولی جامعه الهی است.



**تدبر به معنای** تعمق و شناخت نهایت و پیامدهای هر آیه و آثار و تبعات آن است. تدبر به معنای بهره‌گیری از نظریه‌هایی است که در هر آیه وجود دارد تا با آن زندگی را تفسیری درست کرد و بر اساس روش‌ها و اصول آن، زندگی را سامان بخشید. از این رو امیرمومنان علی (علیه السلام) می‌فرمایند: **أَلَا لَأَخَيْرَ فِي عِبَادَةِ لَا فِقْهَ فِيهَا،** آگاه باشید در آن قرائت قرآنی که تدبر نباشد هیچ خیری (یعنی خوبی و رشد عقلانی و معنوی) وجود ندارد (میزان الحکمه ج ۸).

خداوند بارها در آیات قرآن به این نکته توجه داده که تنها زمانی می‌توان مدعی ایمان واقعی شد که کتب آسمانی را خواند و در آن تفکر و تدبر کرد و براساس آموزه‌های آن عمل کرد و هیچ کوتاهی نکرد و دنبال قوانین طاغوتی نرفت.

### **ضرورت شناخت قرآن به عنوان منبع اصلی و اساس دین**

شناخت قرآن، برای هر فرد عالم به عنوان یک فرد عالم، و برای هر فرد مؤمن، امری ضروری و واجب است. اما برای یک عالم انسان شناس و جامعه شناس، شناخت قرآن از آن جهت ضروری است که این کتاب در تکوین سرنوشت جوامع اسلامی و بلکه در تکوین سرنوشت بشریت موثر است.

نگاهی به تاریخ این نکته را روشن می‌کند که عملاً هیچ کتابی به اندازه قرآن بر روی جوامع بشری و بر زندگی انسان‌ها تاثیر نگذاشته است. و به همین جهت است که قرآن خود به خود وارد حوزه بحث جامعه شناسی می‌شود و جزء موضوعات مورد بررسی این علم قرار می‌گیرد. معنای این سخن این است که بررسی و تحقیق پیرامون تاریخ جهان در این ۱۴ قرن عموماً و شناختن جوامع اسلامی خصوصاً، بدون شناخت قرآن میسر نیست.





## اهمیت تفکر و تدبر موانع اساسی در فهم حقایق قرآنی

تنها تلاوت ظاهری قرآن مورد توجه و عنایت ذات احدیت و رسول مکرمش نیست و به مسلمان و غیرمسلمان سفارش شده است که در آیات آن تدبر کنند و راه رستگاری را برگزینند **لِيَذَّبَرُوا آيَاتِهِ**. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید قرآن ظاهرش زیبا و باطنش ژرف است.

ای مردم در دنیایی به سر می برید که زمان به سرعت برق می گذرد و شب و روز هر تازه ای را کهنه و هر دوری را نزدیک می کند و شما را به وعده گاهتان میبرد، پس هرگاه فتنه ها چونان شب تاریک شما را فراگرفت، به قرآن تمسک جوید، چه قرآن شفات کننده ای مقبول است و شاهی راستین، هر کس آن را پیشوای خویش گیرد، به فردوس برین هدایت شود، و هر کس آن را رها سازد، به آتش دوزخ فرو افتد .

قرآن راهنمایی است که انسان را به بهترین راه دلالت میکند. ظاهرش پندآمیز است و باطنش علم شگفت انگیز، عجایب احکامش با گذشت زمان پایان نیابد؛ و غرایب اسرارش در اثر کثرت تلاوت کهنگی نپذیرد. قرآن ریسمان استوار خدا و راه راست اوست.

هرکس طبق فرامین آن لب به سخن گشاید، راستگو بود؛ هرکس بنا بر احکام آن حکم کند، دادگستر باشد و هرکس دستورات آن را به کار بندد رستگاری یابد (ارشادالقلوب دیلمی ج ۱) .

صدیقه کبری حضرت زهرا (سلام الله علیها) که خود همیشه شاهد نزول قرآن بوده و پرورش یافته در خانه وحی و نبوت است و خداوند او را کوثر نامیده است؛

بزرگترین مرجع و راهنمای مسلمانان را کتاب خدا می داند: کفیل سعادت و زعیم شما قرآن است. شما را به رضوان و به نجات می رساند...

شئون دینی و اصول و فروع احکام تمام در این قرآن مجید است .

مولی الموحدین علی (علیه السلام): بر شما باد عمل کردن به قرآن که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرونشاند، نگه دارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده آن کسی است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود و گرایش به باطل ندارد تا از آن بازگرداننده شود، و تکرار و شنیدن پیپی آیات، کهنه اش نمی سازد و گوش از شنیدن آن خسته نشود. کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس که به آن عمل کند پیشتاز است (نهج البلاغه خ ۱۵۶).

هرکس به تعلیم و تربیت قرآنی خو پذیرد و بدان حبل متین الهی چنگ ارادت در زند، حق از باطل، رشد از غی، نور از ظلمت، ایمان از کفر، خیر از شر، عدل از ظلم، هدایت از ضلالت و عزت از ذلت نیک باز شناسد؛ آنگاه از لطف و عنایت پروردگاری بهره ور گشته به نیک بختی دو جهانی نائل آید .

رهبر فرزانه در دیدار با قاریان فرمودند: دل‌های ما باید قرآنی بشود. هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده های جهالت شما برداشته می شود؛ یک چشمه از چشمه های نورانیت در دل شما گشایش پیدا می کند و جاری می شود. انس با قرآن مجالست با قرآن تفهم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است.

## شرایط درک و فهم قرآن

فهم و درک قرآن به این معنا تنها برای اهل تقوا و متقین میسر است؛ زیرا کسانی که از تقوای عقلانی و فطرت سالم برخوردار باشند، از جنبه هدایتی فهم قرآن بهره مند میشوند ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره ۲۵)

کتابي ست قرآن ز یکتا خدا      که هرگز در آن نیست شکی روا

همه متقین را به آئین راست      هدایت نماید که «راهی سزاست»

خداوند در آیه ۷ آل عمران و ۱۹ رعد، درک حقایق قرآن و آگاهی نسبت به محکمت و متشابهات آن را خاص اولوالالباب میداند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ  
مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ  
ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ  
مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

بلی او خدائست کو بر صواب      به سویت فرستاده است این کتاب

که محکم بود برخی آیات آن که      اصل کتابست اندر بیان

گروهی از آیات را در سخن      تفاوت بود بهر معنا شدن

کسانی که دارند اندر ضمیر      تمایل به باطل طریق و مسیر

از این آیه ها خود اطاعت کنند      به تأویل آنان عنایت کنند

که تأویل سازند بر میل خویش      که هم شبهه هم فتنه آرند پیش

اگرچه که تأویل آن را، سزا      ندانند جز عالمان و خدا

بگویند بر این مبارک کتاب      بگشتیم مؤمن به راهی صواب

که آیات آن جمله از کبریاست      فرستاده از سوی ایزد به ماست

چنین نکته را کس نکردست ذکر      جز آنها که دارند عقلی و فکر

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

کسی کاو بگشتست مسلم به دین  
بود مطمئن نیز دارد یقین  
که قرآن ز سوی یگانه خدا  
به حق نازل آمد سوی مصطفی  
یکی هست آیا مقامات او  
چو آن کس که کورست و هم کفرخو  
کسانی که دارند عقلی و هوش  
بگیرند این نکته ها را به گوش

این بدان معناست که صاحبان خرد کسانی هستند که اهل عصمت و طهارت باطنی کامل می باشند و از تقوای کامل بهره مند شده اند. از این جاست که ارتباط علم و تقوا به خوبی دانسته می شود، چنان که خداوند در آیه ۲۸۲ بقره می فرماید  
وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ،

اگر خود نکردید این گونه کار  
نبردید فرمان پروردگار  
بترسید از قهر یکتا خدا  
نتابید صورت از آن کبریا  
بلی هرچه دانی و داری به یاد  
یکایک خداوند تعلیم داد  
که داناست ایزد به کل وجود  
به آینده و حال و بر هرچه بود

سوره طلاق ۲، ارتباط تنگاتنگ تقوا با آسانی، فهم و فرقان و مانند آن بیان شده است.  
مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

شود مؤمن بر خدا و جزا  
بسی بهره ها هست او را سزا  
هرآن کس بترسید از کردگار  
خدا ترس گردید و پرهیزکار  
بر او می گشاید یگانه اله  
دری بهر بیرون شدن از گناه

این بدان معناست که طهارت باطنی یعنی تقوا، نقش کلیدی در همه ابعاد زندگی بشر از جمله جدایی حق از باطل، فهم و درک حقایق هستی و آسانی کارها و حل مشکلات دارد.

## تشبیه قرائت و تدبر و فهم و عمل

قرائت مانند نسخه پزشک است و فهم و عمل مانند گرفتن دارو و خوردن آن .  
(امام خمینی چهل حدیث)

قرائت مانند پوست است و فهم و عمل مانند مغز

قرائت مانند صورت است و فهم و عمل مانند سیرت

قرائت مانند سطح است و فهم و عمل مانند عمق

قرائت مانند ظاهر است و فهم و عمل مانند باطن

قرائت مانند شاخه است و فهم و عمل مانند ریشه

قرائت مانند کمیت است و فهم و عمل مانند کیفیت

قرائت مانند طوطی وار است و فهم و عمل مانند دقت

قرائت مانند غیراستاندارد است و فهم و عمل مانند استاندارد

## روش شناسی فهم قرآن

بطور کلی در بررسی و مطالعه هر کتابی سه نوع شناخت ضروریست که اولین آنها شناخت سندی یا انتسابی است.

کوچک ترین تردیدی نیست که آورنده همه این آیات موجود حضرت محمدبن عبدالله (صلی الله علیه و آله) است، که آنها را به عنوان معجزه و کلام الهی آورد، و احدی نمی تواند ادعا کند و یا احتمال بدهد که نسخه دیگری از قرآن وجود داشته و یا دارد.

هیچ مستشرق هم در دنیا پیدا نشده که قرآن شناسی را بخواهد از اینجا شروع کند که بگوید باید به سراغ نسخه های قدیمی ترین نسخه های قرآن برویم و ببینیم در آنها چه چیزی هست و چه چیزهایی نیست.

## جایگاه و قلمرو تفکر

تفکر از واژگانی است که از آن ارتباط انسان با خودش فهمیده می شود. گرچه تفکر، صفت اخلاقی نیست، اما قرآن تفکر را ابزار رسیدن به کمالات معرفی می کند که با آن می توان بخشی از پله های ترقی و تکامل را طی کرد.

**مفهوم تفکر** نیروی راهگشای علم به سوی معلوم را فکر گویند و تفکر جولان و تحرک آن قوه است به حسب نظر عقل و این قدرتی است که تنها انسان ها دارند نه حیوانات.

لازم به ذکر است که دو مفهوم تدبر و تفکر، با وجود مراتب معنایی، اختلاف ظریف و دقیقی در معنا با یکدیگر دارند. به اندیشه قلب با توجه به عواقب کار، تدبر گفته می شود، در حالی که تفکر اندیشه ای است که با نظر به دلایل انجام می گیرد.

## منزلت تفکر در قرآن

در قرآن کریم آیات زیادی به تفکر و تدبر اختصاص یافته است. فکر، کلید نور و سرآغاز بینش است.

در قرآن کریم هفده بار به ارزش تفکر اشاره شده و در چند آیه نیز به صراحت به تفکر و ارزش آن سفارش شده است.

در سوره سبا آیه ۴۶ می فرماید: بگو فقط شما را به یک نکته پند می دهم و آن این است که دو نفره و یک نفره به کار خداوند برخیزید و سپس اندیشه کنید. برای مثال به تفکر در آیات و نشانه های الهی توصیه کرده که موجب شناخت خداوند و سرانجام تکامل انسان میشود **قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ**

تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ شایان ذکر است که این دعوت به تفکر گاهی با تعبیر انظُرُوا و مشتقات آن آمده و زمانی نیز از ماده «فکر» استفاده شده است.

به امت بگو ای پیامبر که من	شما را دهم پند با يك سخن
که يك يك و یا دو نفر دو نفر	به احیاء آیین بخیزید بر
تفکر نمایند در باب من	به پندی که می گویم اندر سخن
بدانید احمد (ص) رسول خداست	ندارد جنون، خیرخواه شماست
رسولی است از سوی یکتا خدا	بترساند از سخت روز جزا

### ابعاد تفکر

قرآن کریم نهایت رسیدن به سعادت و کمال و رهایی از انحطاط و سقوط را مرهون تفکر و تعقل دانسته است.

**۱- تفکر در آفاق** الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آل عمران ۱۹۱

کسانی که سازند ذکر خدا	به هر حال، بنشسته یا که به پا
به هنگام خفتن به تسبیح و ذکر	بدین آفرینش نمایند فکر
بگویند کای کردگار جلال	جهانی چنین را به حد کمال
نکردی تو بیهوده آن را درست	که پاک و منزّه تویی از نخست
تو ما را از آتش کنون دور دار	به لطفی که در توست ای کردگار

آیات دیگر مربوط به آفاق، شامل خلقت، زنده شدن زمین در بهار، گستردگی زمین و برافراشته شدن کوهها و روییدن گیاهان زوج در آن، چگونگی طعام، حیوانات و مسطح بودن زمین است.



۲- اندیشیدن در آیات انفس أ وَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ  
وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ  
لَكَافِرُونَ (روم ۸)

تفکر نسازند در پیش خود  
که نیلی سپهر و زمین و آنچه بُد  
همه خلق گردیده بر راستی  
به معلوم وقتش بیاراستی  
چه بسیاری از مردمان کافرند  
به دیدار یزدان خود منکرند

۳- فکر کردن در آیات خدا . كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ يونس ۲۴

خداوند آیات خود کرده ذکر  
برای کسانی که دارند فکر

۴- تفکر در قرآن أَقْلًا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ  
اِخْتِلَافًا كَثِيرًا نساء ۸۲

نخواهند آیا تعقل کنند  
در آیات قرآن تأمل کنند  
که گر این کتاب وزین و گران  
همی بود از غیر رب جهان  
در آن یافت می شد بسی اختلاف  
بدیدند در آن کلام خلاف

در بعضی آیات مانند كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو  
الْأَلْبَابِ ص ۲۹، هدف نزول قرآن را تدبر و اندیشه در آن ذکر میکند:

کتابیست قرآن مبارك نهاد  
که بر تو بدادیم ای مرد راد  
که در آیه هایش تعقل کنند  
به هوش و به دانش تأمل کنند  
هرآن کس که او هست صاحب خرد  
بسی پند و اندرز از آن برد

۵- تدبر در مخلوقات أولم ينظروا في ملكوت السماوات و الأرض و ما خلق الله

من شيء اعراف ۱۸۵

به هفت آسمان و زمین بی خبر  
به عبرت ندارند هرگز نظر؟  
ندارند هرگز ز فکرت نگاه  
به هرچ آفریدست یکتا اله ؟  
(که بیند خود قدرت کردگار  
بفهمند داناست پروردگار)

۶- تفکر در تاریخ و قصه های گذشتگان قد خلت من قبلكم سنن فسیروا فی

الأرض فانظروا كيف كان عاقبة المكديين آل عمران ۱۳۷

مللهای بسیار قبل از شما  
چشیدند طعم هلاک و فنا  
نمایید گردش به روی زمین  
ببینید افراد کاذب به دین  
چسان جمله گشتند یکسر هلاک  
برفتند در ظلمت تیره خاک  
... مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا فاقصص القصص لعلهم يتفكرون اعراف ۱۷۶.

بلی این مثل حال آن مردم است  
که بر کذب آیات یازند دست  
بر ایشان بخوانید این داستان  
فزاید مگر عبرتی نو از آن

۷- اندیشه کردن در مثل های قرآن لو أنزلنا هذا القرآن على جبلٍ لرأيتَهُ خاشعاً

متصدعاً من خشية الله و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون حشر ۲۱

اگر ما کتابی چنین باشکوه  
فرستاده بودیم بر سنگ و کوه  
بدیدی ز ترس خدای جلیل  
چسان کوه، خاشع شدی و ذلیل  
چنین نیک تمثیل را ما عیان  
نمائیم بهر خلائق بیان  
امیدست یک دم تفکر کنند  
یکی لحظه در آن تدبر کنند

سفارش به تدبر در مثل های قرآن از این جهت است که آنها توضیح دهنده و تبیین گر آیات هستند. به طور کلی مثال در بیان و تفهیم مقصود بسیار مؤثر است همین مثال اخیر برای عظمت قرآن بیان شده گویاترین و مؤثرترین بیان است و نمی توان توضیح دیگری به این شیوایی و زیبایی جایگزین آن کرد.

آری قرآن بحری عمیق و ژرف است که با تفکر و غور در اعماقش، گنجهای ارزشمندی به دست خواهد آمد.

در طول تاریخ اسلام، مسلمانان اعم از شیعه و سنی حدود ۱۵۰۰ دوره تفسیر قرآن نگاشته اند که هر تفسیری نسبت به تفسیر پیش از خود به معارف نویی دست یافته است و چون چشمه جوشانی است که انسان ها به اقتضای زمان و مکان و به فراخور اندیشه و دانش شان از آن بهره مند می شوند.

با گذشت زمان و توسعه علمی، تلاش های گسترده ای که در تفسیر و تبیین معارف قرآن انجام می گیرد، آموزه های زلال و ارزشمند جدیدی را به دست می دهد. اساساً رونق قرآن در جهان به پیشرفت های علمی و اندیشه های شگرف و توسعه آنها بستگی دارد، برخلاف بعضی از مکاتب و مذاهب که موجودیتشان به جهل مردم بستگی دارد.

### **فراخوانی قرآن به عقل و استدلال**

قرآن در بیش از ۳۰۰ آیه، جامعه ای انسانی را به تعقل، تفکر و تدبر فرا می خواند؛ بلکه در مواضع زیادی از قرآن، استدلال و برهان به چشم می خورد.

برای نمونه، قرآن غنای خداوند و اتکای هر موجود نیازمند به خدای بی نیاز را با استدلال بیان می کند: **وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ**

**اللَّهُ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿ابراهیم ۸﴾**

تأمل شایسته در آیهی مزبور، استدلالی بودن محتوای آن را نشان می‌دهد؛ زیرا آیه می‌فرماید: خدای سبحان، نظام آفرینش را به ایمان دعوت کرده است و این دعوت برای رفع نیاز از او نیست؛ زیرا او غنی مطلق است.

## آفات عقل

عقل که یکی از مواهب الهی به انسان و حجت باطنی به حساب می‌آید از چه آفات و آسیب‌هایی برخوردار می‌شود؟ عقل و یا قوه عاقله در آموزه‌های وحیانی یکی از منابع شناخت و حجت باطنی انسان به حساب می‌آید.

**۱- هوای نفس** مهم‌ترین آفت عقل، هوای نفس است که اگر بر سرنوشت انسان حاکم شود، دیگر چیزی از ارزش‌های الهی و انسانی را برای او باقی نمی‌گذارد و انسان را به سوی ارزش‌های حیوانی و شیطانی سوق می‌دهد.

**۲- تکبر** و غرور به عنوان یک صفت رذیله و اخلاق سیئه از جنود جهل تلقی می‌شود و در صورت غلبه این صفت در افکار و رفتار انسان، کارکرد عقل از بین می‌رود و فرد در دام‌های شیطانی غوطه‌ور و غرق خواهد شد.

## ۳- خودپسندی

صفت خودپسندی، یکی از رذایل اخلاقی و از جنود جهل به شمار می‌آید. چرا که اگر کسی خودپسند و خود شیفته‌گردید، دیگر خدا را نمی‌بیند و به طور طبیعی در مسیر اوامر و نواهی او حرکت نمی‌کند.

بنابراین عقل انسان که دعوت به خدا می کند با صفت خودپسندی که دعوت به نفس می کند در تضاد قرار گرفته و کارکرد واقعی خود را از دست می دهد.

#### ۴- لجاجت و خیره سری

در حکمت های منسوب به امام علی (علیه السلام) آمده است: «عمل کردن انسان به چیزی که می داند درست نیست، هوس است، و هوس، آسیب خودداری (از حرام و خواهش از مردم) است، و عمل نکردن به آنچه می داند درست است، سستی است، و سستی، آسیب دین است، و پرداختنش به کاری که نمی داند درست است یا نادرست، خیره سری است، و خیره سری، آسیب خرد است. (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰)

#### از هفتاد سال عبادت بهتر است؟

تفکر ساعته خیر من عباده سبعین سنه و قرآن ما را به مکررا به فکر کردن دعوت کرده و در احادیث، فراوان سفارش شده.

قال علی علیه السلام :

۱- **الفکر تغید الحکمه** فکر کردن، فایده اش رسیدن به حکمت و آشنا شدن به حقایق امور است.

۲- **الفکر جلاء العقل**، فکر کردن مایه صیقل دادن و روشن نمودن عقل است.

۳- **اندیشه کردن در کار خیر و نیکو**، انسان را به سوی عمل کردن به کارهای خیر دعوت می کند.

۴- **اصل و اساس عقل**، فکر کردن است و نتیجه اش سلامتی و ایمن بودن از خطرات می باشد.

۵- **من تفکر ابصر** هر کس اندیشه کند، برای او بینایی و آگاهی حاصل شود.

۶- **یک ساعت فکر کردن**، از یک عبادت طولانی که بدون فکر و اندیشه باشد بهتر است.

۷- **اندیشه کردن** در غیر سخنان و کارهای حکمت آمیز، پیروی از هوای نفس است. (میزان الحکمه، جلد ۷)

**نتیجه اینکه با استفاده از عقل و تفکر و تدبر بایستی** جامعه اسلامی باید در همه بخش‌ها و ابعاد فکری و عملی‌اش، قرآنی باشد. این در حالی است که جامعه‌های کنونی مسلمانان با همه مشکلاتی که دارند، به سبب تفکر التقاطی دچار بحران شده‌اند.

جوامع کنونی، بخشی از نظریه‌های حقوقی را از اسلام و بخشی را از قوانین رومی و ایرانی و سنت‌ها و مانند آن گرفته است. از این رو نمی‌تواند خانواده‌ها را چنان که خواسته اسلام است سامان دهد و مشکلاتی را برای شوهران و زنان و فرزندان و در نتیجه جامعه پدید می‌آورد.

در حوزه اقتصادی نیز نیم بند عمل می‌شود و ترکیبی از نظریه‌های غربی سرمایه‌داری و افکار شرقی و اسلامی به عنوان نظریه‌های اقتصادی در بانکداری و بازار عمل می‌شود و نتایج آن همین وضعیت نابسامان کنونی در حوزه اقتصاد است.

در علوم انسانی، نیز نظریاتی التقاطی در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و مانند آن به کار گرفته می‌شود و جامعه در یک ملغمه و شوربایی گرفتار می‌شود که نمی‌تواند خود را رها سازد و به سامان برسد. لازم است تا با تدبر در آیات قرآنی، نظریه‌های مناسب با هر حوزه به دست آید و با کمک اولیای

امور سیاسی و اجتماعی عملیاتی شود و جامعه سازی بر اساس آموزه‌ها و نظریه‌های قرآنی شکل گیرد. هرامت و جامعه‌ای باید براساس آموزه‌های وحیانی، مسیر زندگی خویش را بیابد و سبک زندگی‌اش را براساس آموزه‌های آن سامان دهد، در غیر این صورت نمی‌توان مدعی ایمان به شریعت و کتابی بود که بر خلاف آن رفتار می‌شود.

خداوند به صراحت کسانی را که التقاطی عمل می‌کنند و بخشی از فرهنگ و سبک زندگی خویش را از آموزه‌های قرآنی و بخشی دیگر را از آموزه‌های دیگران می‌گیرند، به عنوان کافر معرفی کرده

.... أَفْتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ... (بقره ۸۵)

به بعضی از احکام ما کافرید **به برخی دگر اعتقاد آورید**

و به آنان هشدار می‌دهد که این گونه رفتار التقاطی هیچ سودی برای آنان و جامعه ایشان نخواهد داشت. وَ لَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ .

کتابی فرستاد پروردگار **که بر پایه علم شد استوار**

مفصل بکردیم آن را بیان **ز دانش بگفتیم آن را عیان**

که مؤمن نماید بدان التفات **بیابند روشن طریق نجات**

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ

کنون کافران به یکتا خدا **که کردند انکار روز لقا**

پس آیا جز این می‌کشند انتظار **که بینند تأویلش از کردگار**

کسانی که بردند قرآن زیاد

فراموش کردند آن را زیاد

بگویند افسوس در روی خاک

بگفتند حق را رسولان پاک

بنابراین، هرگونه تفکر و عمل التقاطی از نظر قرآن عین مهجوریت قرآن است؛ تجویز هر گونه نظریه بیرون از آموزه‌های قرآنی و عمل به نظریه‌های دیگر غیرقرآنی به معنای مهجوریتی است که خشم خداوند و گلایه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در آخرت نسبت به امت به همراه خواهد داشت. بنابراین، نخبگان جامعه و خردمندان می‌بایست با تمام تلاش و جدیت این معنا را پی‌گیری کنند که نظریه‌های قرآنی را در همه ابعاد به دست آورده و در اختیار مردم قرار دهند تا آنان در زندگی خویش به کار گیرند.

هرگونه کوتاهی به ویژه از سوی خردمندان جامعه و اولیای امور در مرحله نخست جز خشم الهی چیزی را به همراه نخواهد داشت، چنانکه کوتاهی مردم پس از ارائه راهکارها و نظریه‌ها نیز به معنای مهجوریت قرآن بوده و جز سرگردانی و بدبختی برای جامعه در دنیا و خشم و عذاب الهی در آخرت ثمری نخواهد داشت.

### **بیانات امام خامنه ای در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن**

تلاوت قرآن مقدمه‌ی عمل است، مقدمه‌ی معرفت است، مقدمه‌ی آشنایی است. ما به سهم خودمان ببینیم در این عرصه‌ی عمل چه کار میتوانیم بکنیم. اولش این است که یاد خدا را فراموش نکنیم؛ بعد، این است که تقوای الهی را معیار کار خودمان قرار بدهیم؛ اینها کارهای آسان است، اینها کارهای ممکن است، اینها کارهای نشدنی نیست که بگوییم «چه جوری؟».



به یاد خدا باشید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا \* وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ**  
**أَصِيلًا؛ (احزاب)**

نماید ذکر خدا بی شمار

الا مؤمنان به پروردگار

پرستید او را به شوری تمام

بخوانید او را به هر صبح و شام

هر کاری انسان میخواهد بکند، به این فکر باشد که آیا این کار موافق رضای الهی است یا نیست؛ اگر احراز نکرد که مخالف رضای الهی است اشکالی ندارد، لکن مواظب باشد که مخالف رضای الهی نباشد؛ این ذکر الهی است. ذکر فقط به زبان نیست؛ توجّه به این معنا، ذکر الهی است. ۱۳۹۸/۱/۲۶

### انس با قرآن در خانه

**الف-** خواندن روزانه قرآن کریم : هر روز در خانه یک صفحه از صفحات ۳۱۶ تا ۳۲۱ قرآن کریم را بخوانید.

**ب-** ترجمه این آیات و عبارات قرآنی از سوره طه را کامل کنید.

۱- **فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ** : پس .. صبر .. کن .. بر آنچه .. میگویند(مردم)؛

۲- **وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا...** (۱۲۰)  
و تسبیح همراه با .. ستایش .. کن .. پروردگارت .. را .. قبل .. از .. طلوع .. خورشید .. و قبل از غروب آن

۳- ... **وَرِزْقِ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى** (۱۳۱)

و روزی .. پروردگارت .. بهتر و پایدارتر است.

۴- **وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا**

و فرمان ده ... را به نماز .. و در این کار صبور و شکیبا باش؛  
خانواده ات

۵- **لَا تَسْأَلْكَ رِزْقًا** :

از تو روزی نمی خواهیم؛

۶- **نَحْنُ نَرْزُقُكَ** :

ما ... روزی می دهیم به تو،

۷- **وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى** (۱۳۲)

و عاقبت برای پرهیزگاری است

## قرآن را بخوانیم یا بفهمیم و عمل کنیم؟!

- **از نظر قرآن:** وقتی قرآن را مطالعه و بررسی می کنیم می بینیم اگر چه در مواردی تاکید بر خواندن کرده است ولی در جاهای زیادی تاکید بر چگونه خواندن فرموده است، مثلا در سوره محمد صلی الله علیه و آله فرموده: آیا در قرآن تدبر نمی کنند آیا بر دلهایشان قفل زده شده است؟

در ابتدای سوره بقره می فرماید: آن کتابی است که شکی در آن نیست راهنمای پرهیزگاران است. در سوره فرقان فرمود: پیامبر شکایت می کند و می گوید: پروردگارا این قوم من قرآن را رها کردند و آیات دیگر که مردم را به خواندن با تدبر و تفکر و تعقل امر فرموده و خواندن بدون فهم را و حتی فهم بدون عمل را تشبیه به الاغ با بار کتاب نموده (سوره جمعه)

- **از نظر حدیث:** پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بر شما باد قرآن، پس آن را رهرو و پیشوای خود قرار دهید زیرا آن سخن پروردگار جهانیان است همچنین فرمودند: من دو چیز گرانبها در بین شما می گذارم اگر به آن دو چنگ بزنید گمراه نمی شوید کتاب خدا و اهل بیت (واضح است که چنگ زدن یعنی پیروی کردن نه تماشا کردن) (کنز العمال ج ۱)

حضرت علی (علیه السلام) هم فرموده اند: آگاه باشید خیری نیست در قرائتی که در آن تدبر نباشد (بحار ج ۹۲) خدا را خدا را مبادا دیگران در عمل به قرآن از شما پیشی بگیرند (نهج البلاغه) از عوامل پیشرفت کشورهای غیرمسلمان، اتحاد، نظم، برنامه ریزی، پژوهش، مطالعه، تلاش، وجدان کاری و... است که در قرآن مورد تاکید قرار گرفته است اما مسلمانان خطوط قرآن را فقط تماشا می کنند.

این درحالی است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرموده اند: تا موقعی قرآن می خوانی که تو را از بدی جلوگیری می کند و اگر جلوگیری نکند قرآن نمی خوانی. اگر قرائت تنها کاربرد داشت بایستی مسلمانان قرآن خوان بهترین اخلاق را می داشتند؛

پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرموده اند: هرکس می خواهد با خدا سخن بگوید نماز بخواند و هرکس می خواهد خدا با او سخن بگوید قرآن بخواند.

بدیهی است سخن گفتن موقعی است که پیامی رد و بدل شود. دلایل عقلی، قرآنی و حدیثی کاملاً لزوم فهمیدن و عمل کردن را مورد تأکید قرار داده اند و بسنده کردن به قرائت تنها مورد سرزنش و توبیخ قرار گرفته است.

## مخالفت با ترویج ترجمه قرآن

**علل عمومی:** وقتی کسی پیشنهاد سازنده ای می دهد که مخالف عرف جامعه است (مثل ترویج ترجمه قرآن) اکثر افراد جامعه حتی خیلی از خواص مخالفت میکنند و دلایلی می آورند مانند دلایل بت پرستان.

- بعضی می گویند پدران ما قرآن را فقط قرائت می کردند پس ما هم فقط قرائت می کنیم.

- بعضی می گویند اگر فهمیدن قرآن لازم هست چرا بزرگان ما انجام نمیدهند و یا چیزی نمیگویند.

- بعضی می گویند اکثریت جامعه فقط قرائت میکنند آیا این همه اشتباه می کنند؟

- بعضی می گویند هرکار دوستانمان انجام دهند ما هم همان کار را میکنیم!

البته شاید بعضی از قاریان هم واقعاً نمی دانند و بعضی هم شاید... این در حالی است که قرآن همه این موارد را محکوم و مردود می داند چون تقلید کورکورانه

است و می گوید خداوند به شما عقل داده است تا ببینید خدا و رسولش چه گفته اند و در صورت لزوم مطالعه و مشورت کنید و در آخر استقلال رای داشته باشید وگرنه با تقلید کورکورانه از دیگران مسئول خواهید بود.

### علل اختصاصی:

**۱- برداشت غلط** از کلمه قرائت و خواندن، آیا خواندن الفاظ بدون فهمیدن ارزشی دارد اگر ارزشی می داشت مسلمانان با این همه قرآن خواندن نایستی جزو کشورهای عقب مانده و وابسته و نوکر دشمنان اسلام باشند. به عنوان مثال: وقت به فرزندمان می گوئیم کتابت را بخوان یعنی بخوان و بفهم، اگر خوانده باشد و نفهمیده باشد می گوئیم خواندنت به درد نمی خورد و برو دوباره بخوان!

**۲- کوتاه فکری:** اگر فقط کمی فکر کنیم و از خودمان سؤال کنیم آیا یک آدم عاقل ممکن است کتابی را به یک نفر بدهد و بگوید این کتاب را بدون فهمیدن بخوان! آیا ممکن است خدایی که آفریننده همه عقل هاست چنین کاری بکند؟!

**۳- برداشت غلط از ثواب:** ما خیال میکنیم ثوابهایی که برای خواندن فلان سوره گفته شده شامل همه میشود خیر، ثواب یعنی مزد و پاداش، به یک جراح ده میلیون تومان می دهند به یک کارگر ده هزار تومان!

منظور تنها خواندن آیات نیست بلکه خواندن مقدمه ای است برای فهم و درک و آن نیز به نوبه خود مقدمه ای است برای پیاده ساختن آن در زندگی فردی و اجتماعی و مسلم است که اگر مسلمانان از مفاد آیات این سوره در زندگی خود الهام بگیرند همه این پاداشها را علاوه بر نتایج دنیوی خواهد داشت.

۴- یکی از کتابهایی که موجب عدم مراجعه به دیگر کتابها می شود زیرا مسئله ثواب سوره ها و نمازها و دعاها را بیان کرده است مفاتیح الجنان می باشد اگر چه کتاب مفیدی است و لیکن چون مسئله ثواب را به طور کلی بیان کرده است باعث عمل گریزی و مسئولیت گریزی مردم شده است.

چرا که خواننده خیال می کند با خواندن یک دعا و سوره یا نماز تمام گناهانش بخشیده می شود، دیگر نیازی نمی بیند که دنبال مطالعه، خودسازی و جامعه سازی باشد.

### راهکارها

۱- رفع سوء تفاهم ها درباره قرائت واقعی، شرایط ثواب و همچنین تبیین عقاب الاعمال همراه ثواب الاعمال

۲- روحانیون اگر می گویند قرآن از حدیث و شعر و تاریخ مهم ترست، در عمل سعی کنند بیشتر تفسیر بگویند.

۳- در جلسات و مساجد حتماً یک نفر وارد همراه قرائت ترجمه آیات را بخواند.

اگر وقت کم است. از قرائت کم کنند، حتی شبهای ماه مبارک رمضان اصرار نداشته باشند که حتماً یک جزء خوانده شود (کیفیت را فدای کمیت نکنند)

۴- باید ترجمه خوان ها آن قدر مورد تشویق قرار گیرند که وقتی مسابقات قرائت و مفاهیم برگزار می گردد تعداد مفاهیم بیشتر باشد.

۵- تبلیغ شود همه خانواده های قرآن خوان یک تفسیر مناسب در حد خودشان داشته باشند .

به عنوان مثال (آسان- نور) (متوسط- نمونه) (سطح بالا- المیزان) و یا تفسیرهای موضوعی و یا جنسیتی و یا رشته های علمی.

**۶-** در هدیه دادن، تفسیر هدیه بدهیم.

**۷-** به جای تشویق به مفاتیح الجنان به مفاتیح نوین که شرایط دعا را به طور مفصل نوشته است و به مفاتیح الحیات که ثواب های اجتماعی را نوشته است ارجاع دهیم. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: من قرآن را در سه روز ختم میکنم اگر بخواهم میتوانم زودتر ختم کنم و لیکن میخواهم در آن دقت و تدبر کنم.

### **سخنان بزرگان در مورد لزوم تدبر و قرآنی شدن جامعه**

**۱- امام خمینی (ره)** در این باره گفته است:

مشکلات مسلمین زیاد است لکن مشکل بزرگ مسلمین این است که قرآن کریم را کنار گذاشته اند و تحت لوای دیگران درآمده اند. باید مردم را توجه داد، گرایش داد به اسلام و قرآن...

به این معنی که در مأذنه ها اذان بگویند و نماز بخوانید اکثر احکام سیاسی اسلام را اعتنا به آن ندارید و از مہجوریت بیرون نمی رود

**۲- مقام معظم رهبری** هم گفته اند:

حقیقت این است که ما قرآن را مہجور گذاشته ایم. درست است که قرآن را تلاوت می کنیم و به آن عشق می ورزیم. اما این کافی نیست. قرآن آمده تا مبنای زندگی انسان را بر طبق بینش الهی شکل دهد.

قرآن آمده است تا جوامع ما را سعادت مند، عزیز، مستقل و از لحاظ مادی و معنوی پیشرو قرار دهد.

نقش قرآن این است. آقایان باید هر آیه ای را که می خوانید ترجمه اش را بدانید.

**۳- سید قطب** هم گفته است: علت پیشرفت آن روز مسلمین این بود که مسلمانان صدر اسلام قبل از هر چیزی قرآنی بودند نه فیلسوف و نه فقیه و نه ادیب ولی با همان معلومات ابتدایی ولی با قلب های پاک پایبند به قرآن بوده اند. قرآن را می خواندند می فهمیدند و به آن عمل می کردند.

آنها برخورد عملی تبعیدی و انقلابی داشتند نقطه مثبت آنها نیز در همین بود و گرفتاری های لاعلاج و دامنه دار امروز هم در همین می باشد که چاره در همان است که در آنان بود.

**۴- تجربه تاریخی** قرآن کریم در دو دوره تاریخی بر حق بودن خودش را نشان داد یکی در صدر اسلام که اعراب عقب مانده را از بدبختی های شرک و ظلم و جهل نجات بخشید و به عزت و سروری های مادی و معنوی رساند و حتی کشورهای پیشرفته را نیز در حد زیادی مسلمان کرد.

یکی هم در این دوران که ملت ایران به پیروی از امام راحل که یک روحانی قرآن شناس بود، دست به فداکاری زد و با عمل به قرآن توانست کشور را از ذلت و بدبختی نجات دهد و به سمت قله های پیشرفت حرکت کند به علاوه این که الگوی انقلاب و استقلال دیگر کشورهای مسلمان قرار بگیرد.

## غفلت در قرآن

غفلت دارای مفهوم وسیع و گسترده ای است که هرگونه بی خبری از شرایط زمان و مکانی (که انسان در آن زندگی میکند) و از واقعیت های فعلی و آینده و گذشته خویش و از صفات و اعمال خود و از پیامها و آیات حق و همچنین هشدارهایی که حوادث تلخ و شیرین زندگی، به انسانها میدهد را شامل میشود.

بی خبری از این واقعیت های نداشتن موضع گیری صحیحی در برابر آنها، خطر بزرگی برای سعادت انسانها است؛ خطری که هر لحظه ممکن است، دامان انسان را بگیرد و او را به کام نیستی فرو برد، و زحمات سالیان دراز عمر انسان را در یک لحظه بر باد دهد:

۱. **دل های بی درک و فهم:** وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف ۱۷۹)

نهادیم بهر جهنم کنار	ز جن و زانس عده ای بشمار
که دلهایشان هست بی درک و فهم	ندارند از فکرت و هوش سهم
همه دیده ها کور و هم پرده پوش	نه هرگز نیوشند چیزی به گوش
همه لال و کورند و غرق و حل	چو انعام باشند بل هم اضل
که آن مردمان جملگی جاهلند	ز معنای انسانیت غافلند

۲. **حیرت و پشیمانی:** وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (انبیاء ۹۷)

پس آن وعده حق که دادی خدا	در آن روز ناگه بیاید فرا
که چشمان کفار ماند فرو	ز حیرت به هر سوی در جستجو



نمایند فریاد ای وای ما

که بودیم غافل ز روز جزا

ستمکار بودیم و برگشته بخت

بپوشیده از ظلم بر خویش رخت

۳. **غافل از خویشتن:** وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاهِ وَالْعَشِيِّ يَرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَمَنَ مِنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبِعْ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا (كهف ۲۸)

شکیبا همی باش و بس مهربان

به قومی که خوانند رب جهان

خدا را بخوانند هر صبح و شب

نمایند قرب خدا را طلب

یکی لحظه چشم از فقیران مپوش

تو بر دستگیری آنان بکوش

مبادا که بر زینت دنیوی

تمایل نمایی و مایل شوی

از آن قوم هرگز اطاعت مکن

که غافل بگشتند از بیخ و بُن

بکردیمشان غافل از یاد خویش

ره نفس خود را گرفتند پیش

بگشتند مشغول کار تباه

فتادند در ظلمت و در گناه

۴. **جاهل و دنیایی:** إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ\* أُولَئِكَ مَا أُوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ يونس ۷۰، ۸

به تحقیق آنها که امیدوار

نباشند بر دیدن کردگار

بدین زندگانی دنیای پست

رضایند و برآن نهادند دست

چنین مردمانی که بس جاهلند از

آیات ما این چنین غافلند

به پاداش این گونه اعمال زشت

بر ایشان خداوند دوزخ نوشت

۵. **ظاهرین:** يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ روم ۷

بینند ظاهر ز دار الفنا

بگشتند غافل ز دار البقا

۶. **گردنکشان** : سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَ أَنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (اعراف ۱۴۶)

من آن قوم را کاو به ناراستی	به کبر و به گردنکشی خاستی
کنم رویگردان از آیات خویش	که هر آیتی هم ببینند پیش
نیارند ایمان به پروردگار	اگرچه بود آیه ها آشکار
ببینند با چشم اگر راست راه	نپویند دنبال آن هیچگاه
ولی گر ببینند باطل مسیر	بدانسو شتابند از خرد و پیر
پس این گونه گمراهی و این شغب	اگر نیک جوئی دلیل و سبب
چه بُد غیر تکذیب آیات ما	بگشتند غافل ز نور هدی

۷. **منکران لجوج** : فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (اعراف ۱۳۶)

از آنها کشیدیم سخت انتقام	نمودیمشان غرق دریا تمام
چو منکر بر آیات ما شدند	از آن آیه ها سخت غافل بدند

۸. **سست اندیشان** : فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (عنكبوت ۶۵)

چو در کشتی افتند اندر بلا	به اخلاص خوانند آنکه خدا
ولی چون به ساحل بیابند باز	بگردند مشرک برآن بی نیاز

۹. **خطاپیشگان** : وَ مَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِيزَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (زخرف ۳۶)

هرآن کس که از راه رحمان خدا  
برانگیزد ابلیس را از کمین  
بتابیده رخ بر طریق خطا  
که گردد همیشه ورا همنشین

۱۰. **شیطان صفتان** : إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف ۲۰۱)

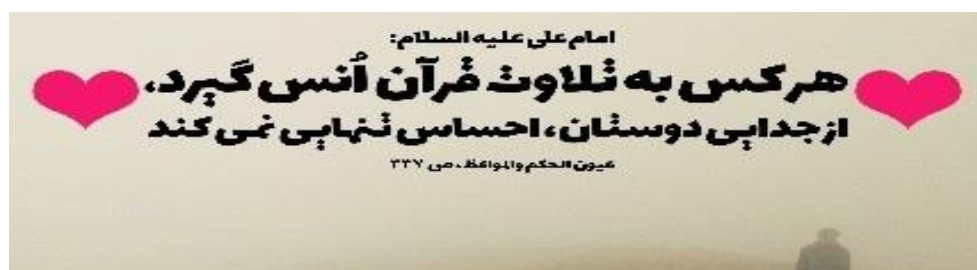
چو بر اهل تقوی ز شیطان پست  
خدا را همان دم به یاد آورند  
یکی وسوسه خود به دل برنشست  
چرا؟ چون به یزدان نکو باورند

۱۱. **غافلان از روز جواب** : لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَائِكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (ق ۲۲)

دریغا که ای جاهل ای تیره بخت  
ترا پرده انداختیم ز کار  
چه غافل بُدی از چنین روز سخت  
که گردد حقایق ترا آشکار  
چو چشم بصیرت تو را گشت باز  
کنون گشتی آگه ز اسرار و راز

۱۲. **آب از سر گذشته ها** : وَ أَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ أَقْبَضَ الْأَمْرَ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يَوْمِنُونَ مَرِيْمَ ۲۹

بترسان تو ای مصطفی این زمان  
در آن محشر غم به روز شمار  
از آن روز حسرت همه مردمان  
نیارند ایمان به آن، جاهلند



## دلایل غفلت و کم‌توجهی به تفسیر قرآن در چیست؟ استاد قرائتی :

عوامل مختلفی می‌تواند در این مسئله دخیل باشد.

**اولاً** ما به آیات احکام و آیات فقهی بیشتر توجه کرده‌ایم و قهراً خود قرآن از دست ما رفته است. مثل کسی که قبل از غذا مشغول خوردن چیزهای دیگری می‌شود و موقعی که سفره را پهن می‌کنند، به غذای اصلی میلی ندارد.

**ثانیاً**، تشویقی روی قرآن صورت نمی‌گیرد. بیشتر ما قرآن را کتاب مقدس می‌دانیم و نه کتاب زندگی. یعنی فکر می‌کنیم قرآن چون کتاب مقدسی است، سر سفره عقد، برای فاتحه یا برای استخاره و ... باشد،

اما باور نداریم که قرآن کتاب زندگی است. کتاب حقوق است. حدود دو هزار نکته حقوقی در قرآن وجود دارد. کتاب مدیریت است. صدها آیه راجع به مدیریت داریم. بسیاری از اساتید رشته مدیریت این را نمی‌دانند.

نکته دیگر این است که در عمل خیلی‌ها دین از سیاست جدا است. کتاب نور و ارتباطات و کتاب هدایت و بصیرت است. البته دست‌هایی هم در کار است که یا خواب هستند یا خائن. ان‌شاءالله که خواب هستند. مثلاً زبان عربی که در دبیرستان‌ها تدریس می‌شود، عربی ای نیست که به فهم قرآن منجر شود. به عقیده من ممکن است خیانت هم باشد.

مسئله‌ای هم که نباید به راحتی از کنارش عبور کنیم، این است که ما مزه قرآن را نچشیده‌ایم. نچشیدن مزه قرآن هم تبعاتش همین است. مثلاً باید بدانیم که اقامه قرآن با اقتصاد ما رابطه دارد. وزیر اقتصاد، وزیر کشاورزی، وزیر صنعت اینها باید بدانند که اقامه قرآن اقتصاد را رشد می‌دهد.

در قرآن می‌فرماید وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ اگر مردم قرآن را به پا دارند، از زمین و آسمان رزقشان توسعه پیدا می‌کند. این راز را هنوز ما کشف نکرده‌ایم. باورمان نیامده است که واقعاً نماز باران در نزول باران اثر دارد .

به تورات و انجیل و قرآن ناب

اگر طبق دستور آن سه کتاب

بدیدند هرگونه نعمت بکام

کنون می نمودند جهد و قیام

گاهی از زمین گاه از آسمان

فروریختی رحمتی بیکران

میانه رهی را بگیرند پیش

گروهی از آنها در اعمال خویش

به بدکاری خویش هستند اسیر

ولی اکثر آن کسان در ضمیر

ما قرآن را کتاب زندگی نمی‌دانیم. مثلاً می‌گویند دین از سیاست جدا است. ما حدود پانصد آیه سیاسی در قرآن داریم. دین از سیاست جدا است، یعنی چه؟ یعنی پانصد آیه را از قرآن حذف کنیم؟ اینها نمی‌فهمند چه می‌گویند .

به قول امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرآن دریایی است که هیچ دستی به عمقش نمی‌رسد. ما باور نکرده‌ایم قرآن شفا است، در حالی که باید این را باور کنیم. نه فقط اینکه اگر سوره حمد را بخوانیم، خوب می‌شویم. این هم هست، اما شفا است، یعنی همه بلاها را جواب می‌دهد؛ مشکلات اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و خانوادگی را.

قرآن هر سئوالی را که دارید جواب می‌دهد. امامان ما می‌فرمودند از ما پرسید این حرفی را که می‌زنیم، از کجاست؟ ما می‌گوییم تمام این حرف‌های ما از قرآن است. ریشه احادیث همه‌اش در قرآن است. باید حوزه‌های ما به جایی برسد که وقتی به کسی می‌گوید چه می‌خوانید، اول بگوید تفسیر و بعدش بگوید کتاب شیخ.

البته هر کسی نباید قرآن را تفسیر کند. تفسیرهای قرآن باید بررسی شود. قدیم علمای ما که حدیث نقل می‌کردند، اجازه داشتند برای نقل حدیث. به هر حال یک قیام جدی باید انجام بدهیم. باید به تعداد درس‌های دیگر، تفسیر قرآن هم باشد. قرآن در رأس نیست. ما باید طوری باشیم که هر جای قرآن را باز کردیم، بفهمیم چه می‌گوید و روح قرآن را درک کنیم.

### **این غفلت چه تبعاتی را به دنبال داشته است؟**

گریه می‌کنیم که چرا از اول خوابمان برده است. مادر موسی وقتی موسی را به دنیا آورد، هراس داشت که مبادا فرعون او را بکشد. به فرعون گفته بودند پسری به دنیا می‌آید که تو را نابود می‌کند، او هم دستور داده بود هر پسری را که به دنیا می‌آید، از بین ببرند.

خداوند به مادر موسی الهام کرد که او را شیر بدهد و در رودخانه بیندازد که ما او را برمی‌گردانیم. شیرش داد و در رود انداخت: «ما به مادر موسی وحی کردیم که شیرش بده. مگر شیر دادن هم وحی می‌خواهد؟ این یعنی چه؟ بعد نگاه می‌کنیم و می‌بینیم وقتی فرعون و همسرش جعبه را دیدند و دیدند که پسری است، خواست او را بکشد که زن فرعون مانع شد بعد بچه گرسنه بود، ولی شیر هیچ کسی را جز مادرش نمی‌خورد. ما اگر شیر قرآن را بخوریم، شیر کتاب دیگری را نمی‌خوریم. ما حتی نتوانسته‌ایم به اندازه زلیخا کار کنیم. یوسف قرآن را هنوز ندیده‌ایم. یک خاطره برایتان بگویم؛ چند سال پیش از ما دعوت کردند که امام جماعت دانشگاه بشویم. من گفتم به یک شرطی می‌آیم و آن هم این که کنار اقامه جماعت، اقامه قرآن هم بشود. یعنی یک تفسیر هم در آن باشد، منتها تفسیر دو دقیقه‌ای.

وقتی رفتیم، به ما گفتند چون اینجا دانشگاه است، یک مقدار باید علمی صحبت کنید. شما تفسیرتان را علمی بگویید. من گفتم نه، همین طوری که بلد هستم می گویم. دیدیم این بندگان خدا قرآن را علم نمی دانند. آدم های خوبی هستند، اما فکر نمی کنند قرآن هم علم است.

امام رضا علیه السلام می فرمایند: اگر علم می خواهی، در کلمات قرآن دقت کن. من نماز را خواندم و گفتم: به من گفته اند که اینجا علمی صحبت کنم و من امروز می خواهم ساده ترین کلمات قرآن را اینجا تفسیر کنم.

### **دلیل سستی و کسالت در دین**

یکی از مهم ترین دلایل کسالت و بی رغبتی نسبت به آموزه های دینی و عمل نکردن به تکالیف و واجبات دین فقدان تفکر و اندیشیدن است. اکثر ما اهل تفکر و اندیشیدن درباره خودمان نیستیم. آنها که در مسیر عقل حرکت می کنند و اهل سیر و سلوک به سوی الله هستند یک قسمت از ساعات شبانه روز خود را به تفکر و اندیشیدن اختصاص می دهند درباره گذشته و آینده عمرشان می اندیشند و آن را با موازین دین و شریعت می سنجند و این را افضل عبادات می دانند که فرموده اند: «عبادت آن نیست که انسان نماز و روزه زیاد انجام بدهد، بلکه عبادت تفکر زیاد در مورد خداوند بلند مرتبه است (کافی، ج ۲) آری انسان که سرآمد همه مخلوقات است خاصیتش همان به کار انداختن نیروی شگرف عقل است و اندیشیدن در اینکه راستی من که هستم؟ و از کجا آمده ام؟ آورنده من که بوده و برای چه مرا آورده و کجا خواهد برد؟

در گذشته عمرم چه کرده ام و در آینده عمرم چه خواهم کرد؟ ولی متأسفانه ما عادت به تفکر نکرده ایم، اگر ساعتی هم فراغت فکری پیدا کنیم وحشت زده



می‌شویم و می‌خواهیم خود را به کاری مشغول کنیم. بنابراین کسانی که در عمل به آموزه‌های دینی سستی و کسالت دارند یکی از مهم‌ترین دلایل آن پشتوانه معرفتی و شناخت است که با عدم تفکر و نیندیشیدن در اوامر و نواهی دین شناخت و معرفت لازم را کسب نمی‌کنند و در نتیجه هنگام عمل کردن به واجبات و ترک محرمات، حلاوت و لذت لازم را نمی‌برند و با شوق و رغبت به آموزه‌ها و تعالیم دینی خود عمل نمی‌کنند.

**امام خمینی** ضمن دعوت به بهره‌گیری از معارف بلند قرآن، به تفکر و تأمل در آن توصیه کرده، می‌فرماید: بدان، همان‌طور که از برای کتاب تدوین الهی به اعتباری هفت بطن هست و به توجیه دیگر، هفتاد بطن که جز خدا و پایداران در علم، کسی را از آن بطون آگاهی نیست و آن معانی را حس نمی‌کنند، مگر کسانی که از حدت‌های معنوی و اخلاق پست و بد، پاک و پاکیزه بوده و با فضایل علمی و عملی آراسته باشند و هر کس به هر مقدار که منزهرتر و مقدس‌تر است، تجلی قرآن بر او بیشتر و خط و نصیبش از حقایق قرآن فراوان‌تر خواهد بود....

پس ای مسکین کتاب پروردگارت را قرائت کن و بالا برو و آن را با تفکر و تأمل بخوان و در قشر و ظاهر آن متوقف نباش و خیال مکن که کتاب آسمانی و قرآن نازل شده ربانی به جز این قشر و صورت نیست، چه آنکه بر صورت توقف کردن و در عالم ظاهر معتکف شدن و به مغز و باطن تجاوز نکردن، مرگ است و هلاکت. عارف کامل، کسی است که ظاهر و باطن کتاب را قرائت کند و در صورت و معنایش و تفسیر و تأویلش تدبر نماید که ظاهر بدون باطن و صورت بدون معنا، مانند پیکری است بدون روح و دنیایی است بدون آخرت. همان‌گونه که باطن را به جز از رهگذری ظاهر نمی‌توان به دست آورد،



زیرا دنیا کشتزار آخرت است. پس کسی که فقط ظاهر را بگیرد و در همان جا بایستد تقصیر کرده و خود را معطل نموده است و آیات و روایات بسیاری نیز بر رد آن است که دلالت دارد بر اینکه تدبیر در آیات الله و تفکر در کتاب الهی و کلماتش را نیکو پیش گیرد، بدون آنکه به ظاهر نگاه کند، خودش از صراط مستقیم گمراه و دیگران را نیز گمراه خواهد نمود و کسی که ظاهر را برای وصول به حقایق بگیرد و نگاهش به آینه برای دیدن جمال محبوب باشد، اوست که راه مستقیم را پیموده و قرآن را همچنان که شاید تلاوت نموده و از آنان که از ذکر رب اعراض کرده‌اند، نخواهد بود و خداست که به حقیقت کتابش دانا است. تفکر، تأمل و تعقل را جزء آداب مهم تلاوت آن برمی‌شمارد. و دیگر از آداب مهمه آن تفکر است و مقصود از تفکر آن است که از آیات شریفه جستجوی مقصد و مقصود کند و چون مقصد قرآن، چنانچه خود آن صحیفه نورانیه فرماید، هدایت به سبب سلامت است و اخراج از همه مراتب ظلمات است به عالم نور و هدایت به طریق مستقیم. باید انسان به تفکر آیات شریفه، مراتب سلامت را از مرتبه دانیه آن که راجع به قوای ملکیه است تا منتهی‌النهاییه آن که حقیقت قلب سلیم است به تفسیری که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده که ملاقات کند حق را در صورتی که غیر حق در آن نباشد. تفکر و به کارگیری عقل در تلاوت قرآن چنان مورد توجه حضرت امام است که نیل به مقام متقین و مقامات بالاتر را از نتایج آن می‌داند. معلوم است کسی که تفکر و تدبر در معانی قرآن کرد، در قلب او اثر کند و کم کم به مقام متقین رسد. و در قرآن کریم، این سرچشمه فیض الهی تدبر کن، هر چند صرف خواندن آن که نامه محبوب است، به شنوده محبوب، آثاری دلپذیر دارد. لکن تدبر در آن انسان را به مقامات بالاتر و بالاتر هدایت می‌کند.

**هجر**، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می شود. رابطه میان انسان و کتاب آسمانی باید دائمی و در تمام زمینه ها باشد زیرا کلمه هجر در جایی بکار می رود که میان انسان و آن چیز ارتباط و رابطه باشد. بنابراین باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریت در آوریم و آن را در همه ابعاد زندگی محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز را جلب کنیم.

نخواندن قرآن، ترجیح غیر قرآن بر قرآن، محور قرار ندادن قرآن، تدبیر نکردن در آن، تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن از مصادیق مهجور کردن قرآن است. حتی کسی که قرآن را فرا گیرد ولی آن را کنار گذارد و به آن نگاه نکند و تعهدی نداشته باشد او نیز قرآن را مهجور کرده است

مهربان ترین پدر عالم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز در لحظات آخر زندگی پر نورشان، وصیتی نیز به عالمیان کرده اند که متأسفانه در زندگی کمتر به آن توجه کرده ایم : من از بین شما می روم. دو چیز را می گذارم **كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي** تا به الان چقدر به این دو امر گرانبها توجه کرده ایم؟! آیا آنها را کلید اصلی زندگی قرار داده یا به درّه ی فراموشی و مهجوریت هدایتشان کرده ایم؟!

مهجور، نه به این معنا که در خانه ها قرآن نباشد. قرآن در خانه ی هر مسلمانی نه یکی، بلکه حتی گاهی چند مدل و با چند خط و ترجمه ی متفاوت وجود دارد. در زندگی گاهی قسم به قرآن می خوریم، شب قدر هم قرآن سر می گیریم **بِكَ** یا **اللَّهِ** هم می گوئیم، بالای سر مسافر هم قرآن را رد می کنیم، آیاتش هم به عنوان کاشی کاری و زینت در محرابها و ضریحها و حرمها و مساجد می نویسیم، گاهی

آیات مهم را نیز با خط خوش نوشته و بر سر معابر و مکان‌ها می‌زنیم، اما هنوز می‌بینیم که در گرداب مهجوریت باقی مانده است.

مراد از مهجوریت قرآن این است که با قرآن نفس نمی‌کشیم، آن را مد سال نمی‌کنیم، عمل‌کننده‌ی آن را متمدن نمی‌دانیم. مثل یک شیء عتیقه و متروکه و تزیینی با آن برخورد می‌کنیم و گاهی حتی می‌ترسیم که به سراغش برویم. الان قرآن حقیقتاً چقدر در بورس است؟!

چرا قرآن آن‌گونه که باید حَقش ادا نشده است؟! بعضی یک جمله از روایت را گرفته‌اند و مدام در گوش مردم می‌خوانند که **إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ** قرآن را فقط اهل بیت می‌فهمند. یک نفر نیست که به این‌ها بگوید: دوست عزیز! اهل بیت مطالب مهم‌تری را می‌توانند بفهمند. مثل این است که بگوییم که دریا برای غواص‌ها است. حرف غلطی است. غواص‌ها لؤلؤ و مرجان بیشتری از دریا می‌توانند بیرون بیاورند، اما حالا اگر کسی غواص نیست دریا برای او نیست؟

دریا هزار فایده دارد، منتها اگر کسی غواص باشد می‌تواند استفاده‌ی بیشتری بکند. اهل بیت نیز می‌توانند از دریای قرآن صیدهای بیشتری داشته باشند، که ما نمی‌توانیم آنها را صید کنیم. اما نمی‌توانیم بگوییم فهم قرآن مخصوص اهل بیت است.

اگر قرار است ما قرآن را نفهمیم پس چرا خدا گفته **يَا أَيُّهَا النَّاسُ / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** خدا با ما حرف می‌زند. آخر اگر ما نفهمیم، چرا خدا ما را خطاب می‌کند. ما نیز جزء **مَنْ خُوطِبَ بِهِ** ها هستیم. اهل بیت عمق قرآن را می‌فهمند، ما هم در سایه‌ی وجود آنان، پوست قرآن را دریافت می‌کنیم.

## گلایه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مهجوریت قرآن

مهجوریت قرآن به این است که انسان به جای استفاده از قرآن جهت پاسخ گویی به پرسشها و نیازها، به سراغ غیر قرآن برود و راهکار را از غیر آن بخواهد .  
علت این مراجعه به غیر قرآن، به هر عنوان که باشد عین مهجور سازی قرآن است.

اگر برای یک مشکل روانی یا اجتماعی نخواهیم از قرآن بهره ببریم، به این معناست که در وعده خداوند جهت هدایت بشر تردید روا داشته‌ایم و اگر در مراجعه به قرآن و استنباط نظریه و راهکار نتوانیم موفق باشیم، باید در بیان، روشن بودن، تبیان و روشنگری قرآن شک داشته باشیم.

در حالی که خداوند قرآن را کتاب کامل، جامع، روشن و مبین دانسته است.

مسلمانان در عصر بعثت در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای اینکه قرآن را سبک زندگی خویش قرار دهند، به نظریه‌ها و فرضیه‌ها، قوانین و داوری‌های دیگران مراجعه می‌کردند و با این رفتار خویش قرآن را مهجور می‌ساختند.

از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) از رفتار امت گلایه و شکایت می‌کند

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا،

پیامبر عرضه داشت: پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند و قرآن را مهجور ساختند. (فرقان ۳۰)

کند شکوه از مردمان بر خدا

در آن روز، پیغمبر مصطفی (ص)

به کنجی نهادند قرآن ناب

که کردند این قوم ترك کتاب

## راه بیرون آوردن قرآن از درّه ی مهجوریت

یقین بدانیم قرآن کریم، کلام آفریننده انسانهاست، با دیگر سخنها تفاوت اساسی دارد و دارای آثار ویژه ای است که در هیچ کلام دیگری یافت نمی شود. خواندن قرآن و شنیدن آن حتی برای کسانی که با زبان عربی آشنایی ندارند و معنای آیات الهی را نمی فهمند، بعنوان عملی نیک در پرونده اعمالشان ثبت شده، آمرزش گناهان، نورانیت دل و ثواب اخروی را در پی دارد.

در حدیث مشهوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید، زیرا هر خانه ای که در آن قرآن تلاوت شود، خیر آن خانه زیاد شده و اهل آن گشایش می یابند و آن خانه برای اهل آسمان نورافشانی میکند، چنانکه ستارگان آسمان برای اهل دنیا نورافشانی میکنند.

در قرآن نیز به تلاوت قرآن ارج نهاده شده؛ ولی حدیث تدبر در قرآن، حدیث دیگری است و قلّه ی رفیع آثار دنیوی و اخروی آن بسی مرتفع تر از آثار تلاوت بدون تدبر است.

برای در آمدن از مهجوریت باید بدانیم که این کتاب، کاتالوگ و کتاب برنامه ریزی اساسی است که ما برای رسیدن به سعادت به آن نیاز داریم تا در ابتدا با تلاوت آن به جاده ی عظیم تدبر و فهم وارد شده و با عمل به دستوراتش، سعادت دنیا و آخرت خود را پیدا کنیم.

پس با توجه به اهمیت این موضوع، از دنیای ترس مقابله با قرآن بیرون آییم و قطره ی وجود مان را در آغوش اقیانوس بیاندازیم و راه را بازگردیم. به امید توفیق در امور زندگی و مصون ماندن از شکایت شدگان رسول (صلی الله علیه و آله) در قیامت.

قرآن در هر خانه مسلمانی یافت می‌شود. بسیاری از مسلمانان هر روز قرآن می‌خوانند و شماری نیز همه یا چند سوره‌ای از آن را حفظ هستند. با اینکه پس از انقلاب اسلامی تحولی عظیم در بهره‌مندی از قرآن صورت گرفته، اما هنوز قرآن به عنوان کتاب زندگی در خانه و جامعه راه نیافته است.

از این رو، هنوز در نظریه‌های دانشمندان برای زندگی بهتر وارد نشده و جهت اصلاح امور اخلاق، تربیتی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن به کار گرفته نشده است.

هنوز هم سبک زندگی ما التقاطی و برگرفته از فرهنگ‌های ملی و مذهبی از سویی و فرهنگ وارداتی غربی از سوی دیگر است. فلسفه زندگی ما را، مجموعه‌ای شکل می‌بخشد که گاه در اصول، روش‌ها و اهداف، متضاد و ناسازوار هستند.

از این رو اگر بر اساس به ظاهر نظریه‌های علمی، مساله، معضل و بحرانی را حل می‌کنیم، چند مشکل دیگر را سبب می‌شویم. بازگشت به قرآن، به معنای بازگشت به سبک زندگی برگرفته از اصول، روش‌ها، اهداف و قوانین آن، تنها راه نجات جامعه از مشکلات و معضلاتی است که در آن دست و پا می‌زند. برای رهایی از مهجوریت قرآن می‌بایست قرآن را به عنوان راهنمای سبک زندگی و کتاب زندگی را در همه ابعاد آن وارد سازیم.



## مهجوریت زدائی از قرآن

اما مطلب مهم این است که ما چه جور قرآن را از مهجوریت در بیاوریم. وقتی قرآن در سطح جهان از مهجوریت در می آید که ما این توان را داشته باشیم که هر مکتبی از مکتب هائی که مربوط به جهان بینی است،

**یک؛** وحی و نبوت و رسالت و امامت است،

**دو؛** انسان شناسی است،

**سه؛** و شعب فرعی که به این ۳ رشته بر می گردد.

**اولاً؛** بر قرآن کریم عرضه کند،

**ثانیاً؛** و حق و باطل بودن آن راه را از قرآن استفتاء کند،

**ثالثاً؛** این می طلبد که خود انسان سالیان متمادی در خدمت قرآن کریم باشد.

عده ای مکتب شناس باشند که چه مکتبی، چه شبهه ای، چه حرفی در جهان پیدا شده؛ اگر سکولاریزم است، یعنی چه؛ اومانیزم است، یعنی چه؛ فمینیسم است، یعنی چه؛ اینها را کاملاً بفهمد، بعد بر قرآن عرضه کند و از آن پاسخ بگیرد؛ تا بشود جهانی ! اگر نَذِيراً لِلْعَالَمِین است، این است.

الآن دنیا تشنه معارف است؛ شما می بینید در بخشی از کشورها همین که معارف الهی آنجا ظهور کرد، خواهان فراوانی هم دارد. به لطف الهی، به برکت خون های پاک شهداء مشرق و مغرب عالم الآن متوجه اسلام است. یک وقتی بود سخن از **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ** بود، این ها واقعاً تشنه اند. ما باید این مکتب ها را کاملاً شناسایی بکنیم، بعد بر قرآن کریم عرضه بکنیم و پاسخ را از قرآن بگیریم.

این قرآن کتابی نیست که فقط درباره فقه و اصول و اخلاق اظهار نظر بکند! ممکن است کسی خیال کند درباره شیمی و فیزیک و اینها حرفی ندارد که این هم سخنی است ناصواب؛ ولی درباره جهان بینی، انسان شناسی، وحی و نبوت و مانند آن.

بازگشت به قرآن، به معنای بازگشت به سبک زندگی برگرفته از اصول، روش‌ها، اهداف و قوانین آن، تنها راه نجات جامعه از مشکلات و معضلاتی است که در آن دست و پا می‌زند. برای رهایی از مہجوریت قرآن می‌بایست قرآن را به عنوان راهنمای سبک زندگی و کتاب زندگی را در همه ابعاد آن وارد سازیم.

مہجوریت قرآن به این است که انسان به جای استفاده از قرآن جهت پاسخ‌گویی به پرسشها و نیازها، به سراغ غیر قرآن برود و راهکار را از غیر آن بخواهد.

علت این مراجعه به غیر قرآن، به هر عنوان که باشد عین مہجور سازی قرآن است. اگر برای یک مشکل روانی یا اجتماعی نخواهیم از قرآن بهره ببریم، به این معناست که در وعده خداوند جهت هدایت بشر تردید روا داشته‌ایم و اگر در مراجعه به قرآن و استنباط نظریه و راهکار نتوانیم موفق باشیم، باید در بیان، روشن بودن، تبیان و روشن‌گری قرآن شک داشته باشیم. در حالی که خداوند قرآن را کتاب کامل، جامع، روشن و مبین دانسته است.

مسلمانان در عصر بعثت در حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جای اینکه قرآن را سبک زندگی خویش قرار دهند، به نظریه‌ها و فرضیه‌ها، قوانین و داوریه‌های دیگران مراجعه می‌کردند و با این رفتار خویش قرآن را مہجور می‌ساختند.

از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) از رفتار امت گلایه و شکایت می‌کند (فرقان ۳۰)



علم مطلق الهی در کنار قدرت مطلق و خواسته و مشیت او موجب شده تا قرآن در جایگاهی ویژه قرار گیرد و چیره بر همه کتب آسمانی و وحیانی شود. زبان عربی نیز به سبب تاب و توان بالایی که دارد می تواند این جامعیت را فراهم آورد و مشکل چهارم را حل کند. این گونه است که زبان عربی با همه محدودیت هایش، از گنجایش فوق العاده ای برخوردار می باشد و می تواند هر آن چه خدا خواسته را در خود حفظ کند و نگه دارد.

قرآن تنها کتاب وحیانی و الهی است که به سبب ظرفیت بی پایان معنایی و مفهومی اش میتواند پاسخگوی تمامی نیازهای بشر در زندگی دنیوی و بلکه اخروی او باشد.

از این رو به عنوان کتاب مهیمن الهی مطرح شده است. راز جاودانگی قرآن را می توان در همین پاسخگویی و ظرفیت بالای آن دانست که نوعی سیطره و چیرگی طبیعی نسبت به دیگر کتب آسمانی و دانش های انسانی برای آن به همراه می آورد.

### **اقرار برخی از بزرگان درباره مهجوریت قرآن**

**الف) ملاصدرا** رحمه الله در مقدمه تفسیر واقعه می گوید: بسیار به مطالعه کتاب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم ولی همین که کمی بصیرتم باز شد، خود را از علوم واقعی خالی دیدم.

در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبر در قرآن و روایات محمد و آل محمد صلی الله بروم. یقین کردم که کارم بی اساس بوده است؛ زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید.

تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبر در قرآن کردم در خانه وحی را کوبیدم و درها باز شد و پرده ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می گویند: **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ**

**گشادست درهای جنت تمام** **بگویند بادا شما را سلام**  
**که عیش ابد شد نصیب شما** **بیابید جاوید در آن بقا**

**ب) فیض کاشانی** رحمه الله می گوید: تاب ها و رساله ها نوشتم تحقیقاتی کردم ولی در هیچ یک از علوم دوائی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم برخود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمق در قرآن و حدیث هدایت کرد.

**ج) امام خمینی** رحمه الله: در گفتاری از این که تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده تأسف می خورد و به حوزه ها و دانشگاهها سفارش میکند که قرآن و همه ابعاد آن را در همه رشته ها، مقصد اعلی قرار دهند. تا مبادا در آخر عمر بر ایام جوانی تاسف بخورند.

**د) مقام معظم رهبری:** از وقتی که قدرتهای مسلط بر جوامع اسلامی از ارزش-های اسلامی، تهیدست و بیگانه شدند و قرآن را که ناطق به حق و فرقان حق و باطل بود، مزاحم خود یافتند، تلاش برای بیرون راندن کلام خدا از صحنه زندگی آغاز شد. و به دنبال آن جدایی از این زندگی اجتماعی و تفکیک دنیا از آخرت و تقابل دینداران واقعی با دنیاطلبان قدرتمند به وجود آمد، اسلام از منصب اداره عرصه های زندگی جوامع مسلمان پایین کشیده شد و به مساجد و معابد و خانه ها و کنج دلها اختصاص یافت و جدایی خسارت بار بلند مدت دین از زندگی پدید آمد.

## بر کتاب خدا چه گذشت ؟

این ودیعه الهی و ماترک پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسائل اسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی علیه السلام شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم دریافت کرده بودند و ندای **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ** در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگ ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است از صحنه خارج کردند؛ و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است. و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجی ها و انحراف ها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند برساند و این ولیده **عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ** را از شر شیاطین و طاغوت ها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاءالله، معصومین بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند.

قرآن را چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت های جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد.

و مع الاسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستان ها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی بر می آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار و قرآن و سنت مشحون آن است، سخن می گفت گویی بزرگ ترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمه «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی دین شده بود.

و اخیرا قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیله حکومت های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابر قدرتها قرآن را با خط زیبا طبع میکنند و به اطراف می فرستند. و با این حيله شیطانی قرآن را از صحنه خارج میکنند.

### **قرآن! من شرمنده توام**

قرآن! من شرمنده توام، اگر یک کشیش لامذهب که در واقع بویی از آیین مقدس مسیحیت نبرده است، بی شرمانه دستور آتش زدن تو را می دهد و دل مولایم، صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شیعیانش را به درد می آورد.

قرآن! من شرمنده توام، که اگر رئیس جمهور آمریکا فقط و فقط برای حفظ امنیت سربازانش در افغانستان با این طرح مخالفت می کند. اینان مصداق کامل این آیه اند **خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ** ﴿بقره ۷﴾

**دو چشمانشان را شده پرده پوش**

**نهاده خدا مهر بر قلب و گوش**

**برایشان عذابی است بس دردناک**

**همانا که از سوی یزدان پاک**

آری، خداوند مهری بر دل ها و گوش ها و چشم هایشان نهاده، و برایشان عذابی بزرگ در پیش است. کاش بیاید آن روز که آیه آیه این کتاب راهبر و راهنمای تمام انسانها در این کره خاکی شود. به امید آن روز

## ای قرآن عزیز!

من شرمنده تو هستم اگر از تو آواز مرگی ساخته ام که هر وقت آوای تو برمیخیزد برخی از هم می پرسند چه کسی مرده است؟ چه غفلت بزرگی است که می پندارم خدا تو را برای مردگان ما نازل کرده است .

ای قرآن عزیز! من شرمنده تو هستم اگر تو را از یک نسخه کاربردی عملی برای نیل به یک زندگی سعادت‌مندانانه و سرشار از خوشبختی، به یک افسانه موزه نشین مبدل کرده ام.

یکی ذوق می کند که تو را بر روی برنج نوشته، یکی ذوق میکند که تو را فرش کرده، یکی دیگر ذوق می کند که تو را با طلا نوشته، یکی به خود می بالد که تو را در کوچک ترین قطع ممکن منتشر کرده و دیگری شادمان میشود وقتی تو را در بزرگترین اندازه ممکن قالب ریزی میکند

آیا واقعا خدا تو را فرستاده تا ما موزه سازی کنیم؟ هر چند گاهی شاید لازم باشد. ای قرآن عزیز! من شرمنده تو هستم اگر حتی برخی از آنان که تو را میخوانند، یا تو را میشنوند، تو را فقط میخوانند یا فقط میشنوند. اگر چند آیه از تو را با یک نفس بخوانند مستمعین سر شوق آمده و فریاد می زنند، احسنت...! أحسنت! ” گویی مسابقه نفس برپا شده است. باز هم شاید لازم باشد ولی کاملش این نیست.

ای قرآن عزیز! من شرمنده تو هستم اگر نزد برخی، به یک فستیوال مبدل شده ای! حفظ کردن تو با شماره صفحه، خواندن تو از آخر به اول، قرائت تو با ایماء و اشاره، خواندن تو بصورت ضربدری یا پروانه ای! راستی اینها، یک معرفت است یا یک رکورد گیری؟ شاید زیاد ضرورتی نباشد (مقام معظم رهبری)

ای کاش وقتی آیات تو را حفظ میکنیم، از تو محافظت نیز میکردیم و تو را اسباب مسابقات هوش نمی پنداشتیم

راستی ما با قرآن چه میکنیم؟

خوشا به حال هر کس که دلش رحلی است برای تو.

آنان که وقتی تو را می خوانند چنان حظ میبرند که گویی قرآن همین الان بر جان و روح و قلبشان نازل شده است.

آنان که به تعبیر آیه ۲۳ از سوره زمر، **اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَ مَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ**

فرستاده قرآن، خدای جهان	احادیث برتر نهفته در آن
مشابه بود آیه هایش چو هم	که تکرار گردد همی دم به دم
کسانی که ترسند از کردگار	چو خوانند قرآن پروردگار
بر اندامشان لرزه افتد ز بیم	دگر باره تسکینشان می دهیم
که دلهایشان را به ذکر خدا	نگهدارد این آیت کبریا
بلی این همان رحمت کبریاست	کتاب هدایت ز سوی خداست
هدایت نماید کسی را که خواست	کند گمره آن را که خواهد، ز راست
کسی را که گمره نماید خدا	چه کس بازش آرد ز راه خطا

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش در لطف و زیبایی و عمق و محتوا، همانند یکدیگر است، آیاتی مکرر دارد، با تکراری شوق انگیز، که از شنیدن آیاتش، لرزه بر اندام خدا ترسان قرآن باور می افتد! سپس برون و درونشان، جسم و جانشان، متوجه ذکر و یاد خدا میشود. این است هدایت الهی

### شکوه ها و گلایه های قرآن از ما

من از آنان گله دارم هزاران، صد هزاران گله دارم.

مردم عامی! با قلب رئوف و روح آدمی، نیاز آرزوشان را در الفاظ نشان گیرند، بدون آنکه در اعماق فرمانم پیامی از خدا گیرند و پای در راه بگذارند.

یکی خواند مرا گنگ و غلط، با چهچه ای گویی که آهنگ غنا هستم.

یکی بنده مرا بر بازویش، بی فهم و بی درک و تأمل، برای آنکه خیرالحافظین هستم.

یکی بر گردنش، گوئی صلیبی از طلا هستم.

یکی نالد مرا در بزم غم، گوئی که شعر مرده ها هستم. یکی هم بهر حفظ مال و

جانش غافل از یاد خدایش، ببندد یک قطعه ام را بر خودش، بر خانه اش بر جان

و مال و بچه اش تا از بلا و درد و آتش در امان باشد.

من از آنان گله دارم برای یمن هر مسکن مرا با آب و آینه به انجامی برند که شاید

مبارک گردد آن خانه اگرچه هر خلاف و هر گناه و هر تباهی و هلاکتها در آن

باشد!

کنار هفت سین سفره شان در صف سیر و سماق و سرکه و سنجد! به همراه

صداق زن به پیش چشم داماد سیه پوش و عروس نقره ای دامن! کنار هزاران

معصیت در پیش نامحرم به دنبال طبل و نی و آواز و رقص و پایکوبی‌شان! من حاضرم اما برای چه؟ من از آنان گله دارم! صد هزاران گله دارم.

و قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ، پیامبر عرضه داشت:

پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند (فرقان ۳۰) این آیه از گلایه پیامبر (صلی الله علیه و آله) سخن می گوید و آن حضرت چون رحمة للعالمین است نفرین نمی کند .

امام رضا ع فرمود: دلیل آن که در نماز قرآن می خوانیم آن است که قرآن از مهجوریت خارج شود. در روایات آمده است هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد، آرام بخوانید و دل خود را با تلاوت قرآن تکان دهید و هرگاه فتنه ها همچون شب تاریک بر شما هجوم آوردند به قرآن پناه ببرید.

### جای قرآن در طاقچه «دل» است

ما بسته و گریخته از قول عالمان می‌شنویم که مثلاً قرآن درباره ستاره شناسی، نجوم و، حرف‌های زیادی دارد؛ اما نمی‌دانیم که این گونه مطالب را در کدام منابع یا نشریات، می‌توانیم مطالعه کنیم .

قرآن تنها برای جوانان، مهجور نیست؛ بلکه برای همه مهجور است؛ برای بزرگان، برای روحانیت و به طور کلی برای همه و جوانان، طبقه‌ای مستقل و جدا از بقیه مردم نیستند.

قرآن برای همه ما مهجور است؛ برای زن و مرد، باسواد و بی‌سواد، حوزه‌ای و دانشگاهی و؛ طبیعی است که وقتی این بعد برای همگان وجود دارد، برای جوانان به طریق اولی وجود دارد؛ برای این که دیگران لااقل یک تقید و تعبدی از سال‌های گذشته دارند؛



اما جوانان ما امروز در معرض بمباران اطلاعاتی از طریق ماهواره، اینترنت و... هستند. اگر تقصیری هست، قطعاً مربوط به جوانان نیست؛ بلکه مربوط به بزرگ‌ترهاست و ما موظف هستیم که این مشکل را حل کنیم. اما چرا قرآن که مورد اشتراک شیعه و سنی است، این قدر مهجور شده و کمتر مورد استناد قرار می‌گیرد. شیعه‌ای که تحقق علمی و عینی اسلام است، افتخارش به این است که از قرآن برآمده و همه چیزش در قرآن است و «اهل بیت» او علیهم السلام نیز همه چیز را از قرآن می‌دانند.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که کسی از آن حضرت پرسید: به شما وحی می‌شود؟ حضرت فرمود: نه، به من وحی نمی‌شود؛ اما من هر چه دارم، از حکومت قرآن و لطف قرآن و تدبر در قرآن دارم. اتفاقاً ما در سایه قرآن، اهل بیت علیهم السلام را بهتر می‌شناسیم و برعکس، در سایه اهل بیت هم قرآن را بهتر می‌شناسیم. اهل بیت نیز هر چه دارند، از قرآن دارند. آیا همین دلیل کافی نیست که به اهمیت ارتباط با قرآن پی ببریم؟

یکی از مشکلات دوره جاری در همه جهان، عبارت است از فشارهای روانی بیش از حدی است که برخی از آنها ناشی از صنعتی شدن جهان است؛ به این معنی که جامعه‌ای که دارای ارزش‌های ثابت است، تبدیل به جامعه‌ای با ارزش‌های متغیر می‌شود؛ دگرگونی‌ها تبدیل به قاعده می‌شوند و در نتیجه، انسان مرتباً نیاز به سازگاری با شرایط جدید دارد.

این، همان حالتی است که تحت عنوان فشار روانی از آن یاد می‌شود و یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند در کاهش این فشار روانی تأثیر داشته باشد، اعتقاد به وجود خداوند است؛

به این ترتیب که انسان با آگاهی از این که یک نیروی ماورایی، همیشه مراقب اوست و هر رویدادی، حکمتی دارد، احساس آرامش می‌کند.

در خود قرآن آمده است: **وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ (قمر ۳۲)**

**چه آسان نمودیم قرآن بیان**      **که مردم بگیرند پندی از آن**

**کنون کیست کان را بگیرد بگوش**      **نیوشد همه پندهایش به هوش**

و هر آینه قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن، آسان ساختیم؛ پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟

در ایران نیز پژوهش‌های قابل توجهی انجام گرفته است که نشان می‌دهد تلاوت آیات قرآن، حتی برای کسی که در حالت بیهوشی است، باعث کمتر شدن میزان نیاز او به داروهای هوش بری می‌شود.

اگر شنیدن کلام خداوند به تنهایی تا این حد مفید باشد، آن گاه باید دید که شنیدن و مطالعه این کلام همراه با ادراک محتوای آن، تا چه حد می‌تواند بر جسم و بلکه بر جان انسان تأثیر مثبت و حیات‌بخش داشته باشد؛ زیرا قرآن، بهترین وسیله برای آگاه شدن همه انسان‌ها از قدرت لایزال و چشمه پرمهر خداوندی است.

بنابراین، یکی از عوامل پیش‌گیری، درمان و توان‌بخشی در برابر سختی‌های زندگی، آشنایی با قرآن است.

امید آن به عنوان یک انسان عادی قادر نیستیم به کنه و بطن قرآن برسیم، اما به مصداق تعبیر خود قرآن می‌توانیم به این دعوت پاسخ دهیم و به قدر وسع خودمان از نور آن برخوردار شویم.

## راهکارهای تشویقی برای ترویج فرهنگ قرآن در جامعه

با وجودی که کشور ایران اسلامی در زمینه قرائت قرآن در میان کشورهای اسلامی جایگاه برجسته ای را داراست اما در زمینه حفظ قرآن از جایگاهی که مناسب شأن آن باشد برخوردار نیست.

نکاتی را به عنوان اهرم های مشوق برای ترویج فرهنگ قرآن در جامعه پیشنهاد می شود.

امتیازات تشویقی پیشنهادی برای اساتید، قاریان و حافظان قرآن:

- معافیت کامل از خدمت نظام وظیفه عمومی.

- برخورداری از امتیازات نخبگان.

- برخورداری از حقوق و مزایای یک مدرک بالاتر برای کارمندان دولت

- اولویت داشتن برای استخدام در سازمانها و ادارات دولتی

- برخورداری از امتیاز ویژه در آزمون سراسری دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی (حداقل در رابطه با رشته های مرتبط).

- برگزاری المپیاد ملی حفظ مفاهیم، قرائت و... قرآن کریم

- اجرای بدون قید و شرط قانون اعطای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد به حافظان، قاریان، اساتید و... قرآن کریم.

به آرزوی روزی که ما برای نسل نو تفسیرهای مناسب که نیازهای ویژه آنان را بر آورده کند نوشته باشیم.

به امید روزی که در هر منطقه ای دانشمندی قصه های قرآن را برای کودکان و بزرگان ما تحلیل کند.

در انتظار روزی که تفسیر ساده، ولی پر محتوا، جزو دروس رسمی مدارس و دانشگاه ها شود.

به امید روزی که منبرهای ما، به جای نقل برخی مطالب ضعیف و ... مملو از انوار قرآن باشد.

به امید روزی که تفسیر را نیز علم بدانیم و اسرار قرآن را کشف کرده و دلها را جذب کنیم. به امید روزی که از هر طلبه ای پرسند چه می خوانی؟ بگویند تفسیر و مکاسب، تفسیر و لمعه، به امید آنکه ما کتاب آسمانی را به پا داریم که آن نیز به پا داشتنی است.

**و لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ....»** مائده ۶۶ (اشعار قبلا بیان شده) و اگر آنها تورات و انجیل را بدون کم و کاست و همچنین آنچه را که از طرف پروردگارشان نازل شده، اقامه کنند محققا از جانب آسمان و از زیر پاهایشان روزی خواهند خورد و بهره مند خواهند شد، بعضی از اینها مردمی معتدلند و بیشتر آنها اعمال ناپسندی را مرتکب می شوند.

به امید روزی که بخشی از بودجه ها، مدارس، نیروها و درس های حوزوی صرف تربیت مفسر شود. همانگونه که برای روشنی نباید منتظر خورشید باشیم، برای قرآن نیز نباید منتظر دیگران باشیم.

همان گونه که هر طلبه خودش سایر کتاب ها را می خواند و مباحثه می کند، کتب تفسیر را هم با مشورت برخی از بزرگان بخواند و مباحثه کند و از اساتید خود بخواهد همانگونه که سایر کتب را تدریس می کنند، تفسیر قرآن را نیز تدریس کنند.

و تفسیر قرآن را نیز (همان گونه که مقام معظم رهبری خطاب به چند هزار روحانی در خراسان رضوی فرمودند) در همه سطوح درس اصلی خود قرار دهند. به خدا سوگند منظور حفظ آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره‌ها و یاد گرفتن اعشار و اخماس (تقسیماتی که در قرآن می‌شود مانند تقسیم به سی جزء و یا هر جزء به چهار حزب و امثال آن) آن نیست.

آنها حروف قرآن را حفظ کردند، اما حدود آن را ضایع ساختند منظور خداوند از حق تلاوت این است که در آیات قرآن بیندیشند و به احکامش عمل کنند؛ چنان که خداوند می‌فرماید: این کتابی است که ما بر تو نازل کردیم تا در آیاتش تدبر کنند. و یا **كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ** «صاد ۲۹»

(این) کتاب مبارکی است که به سوی تو فرو فرستادیم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان پند گیرند. البته تدبر در هر آیه‌ای را نباید کاملاً مستقل از آیات دیگر دانست زیرا قرآن کریم، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، و ... دارد؛ لذا باید در تدبر هر آیه توجه داشت که «معنای برداشت شده» با سایر آیات هماهنگ باشد و آیه دیگری آن برداشت را رد نکند.

### **قرآنی‌سازی جامعه برای مهجوریت از قرآن**

برای این که قرآن از مهجوریت بیرون آید و به عنوان کتاب سبک زندگی در جامعه مطرح شود و نظریه‌های روان‌شناسی، رفتارشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و مانند آن، از آن استنباط گردد و به کار گرفته شود، لازم است تا صاحبان خرد و اولوالالباب در این امر مشارکت جدی کرده و با یاری اولیای امور سیاسی و اجتماعی، آن را نهادینه‌سازی کنند.

از نظر قرآن، هر چند که قرائت و تلاوت و حفظ قرآن تاثیرگذار است، ولی آنچه حقیقت قرآن را برای شخص و جامعه آشکار می‌سازد، بهره‌مندی از قرآن در همه ابعاد زندگی است

از این رو تدبر و تفسیر قرآن به عنوان گامی برای استنباط و نظریه سازی مورد توجه قرار گرفته است تا خردمندان با بهره‌گیری از آیات قرآنی به نظریه پردازی اقدام کرده و جامعه را براساس نظریه‌های قرآنی، سامان و شکل دهند و سبک زندگی مردم را براساس آن متحول سازند. این همان معنای واقعی تدبر و تلاوت حقی قرآن است که خداوند در ۸۲ نساء و ۱۲۱ بقره بر آن تاکید کرده است.

أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا نساء ۸۲

خواهند آیا تعقل کنند	در آیات قرآن تأمل کنند
که گر این کتاب وزین و گران	همی بود از غیر رب جهان
در آن یافت می شد بسی اختلاف	بدیدند در آن کلام خلاف

حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره مفهوم واقعی **يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ** می‌فرماید: آیات آن را به دقت بخوانند و حقایق آن را درک کنند و به احکام آن عمل نمایند و به وعده‌های آن امیدوار و از وعیده‌های آن ترسان باشند، از داستان‌های آن عبرت گیرند، به اوامرش گردن نهند و نواهی آن را بپذیرند.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ بقره ۱۲۱

کسانی که چون ما بر آنها کتاب	نمودیم نازل به راه صواب
------------------------------	-------------------------

بکردند برآن عمل موبه مو

بخواندند آن را درست و نکو

که بر ایزد خویشتن موقنند

به تحقیق ایشان همه مؤمنند

به دین خداوند منکر شدند

ولی آن کسانی که کافر شدند

نبینند روی نکویی به بخت

زیانکار هستند بسیار سخت

### شرط قرآنی شدن جامعه اسلامی آیت الله جوادی آملی

قرآن کریم، اعجاز جاویدان حضرت ختمی نبوت (صلی الله علیه و آله) و راهنمای کامل و جامع هدایت بشریت به مسیر صلاح و فلاح است؛ از این رو فرهنگ قرآنی مورد توجه و عنایت جامعه جهانی اعم از مسلمان و غیرمسلمان می باشد. قرآن کریم هم کتاب های انبیای گذشته را تصدیق می کند: **مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ** (آل عمران ۳)؛ هم هیمنه، سیطره، سلطنت و ولایت بر آنها دارد و **مُهَيِّمِنًا عَلَيْهِ** .

امتی؛ امت قرآنی است که بتواند مهیمن بر اُمم باشد؛ زیرا اگر کتاب ما مهیمن بر کتاب های دیگران است و هر امتی به اندازه کتاب آسمانی اش رشد می کند؛ ما هم باید برابر با هیمنه قرآنی مهیمن باشیم

امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه که به عنوان دعای ختم قرآن است، قرآن را مهیمن (نگهدارنده) بر کتاب های آسمانی می داند و این جمله را از خود قرآن کریم گرفته است. به خدا عرض می کند:

پروردگارا! تو آن توفیق را دادی ما کتابی را فراگیریم و تلاوت کنیم که مهیمن بر کتاب های دیگر است و اگر هر امتی به اندازه کتاب آسمانی خود ترقی می کند، امت اسلامی هم الا و لابد باید مهیمن بر همه امم باشد.

## نیل به وحدت (محلی)، (منطقه ای) و (بین المللی) در پرتو قرآن

زبان مشترک همه ما، این هفت میلیارد بشری که روی زمین زندگی می کنیم محتوای قرآن است، نه ادبیات قرآن! و زبان مشترک ما مسلمانهای عالم هم محتوای قرآن است، هم ادبیات قرآن. وقتی ما می توانیم داعیه وحدت اسلامی داشته باشیم در قدم اول و داعیه وحدت جهانشمولی داشته باشیم در سطح بین الملل در قدم دوم، که در خدمت قرآن کریم باشیم. اگر قرآن ما را به سه وحدت دعوت می کند، سه تا راه هم به ما نشان میدهد. ما را به وحدت «محلی» دعوت میکند که در داخله حوزه خودمان با هم اختلاف نکنیم.

ما را به وحدت «منطقه ای» فرا می خواند که با موحدان عالم، با اهل کتاب، با یهودی ها [نه اسرائیلی و صهیونیست]؛ با یهودی ها، با مسیحی ها که اهل کتابند وحدت منطقه ای داشته باشیم. ما را دعوت میکند با انسان ها؛ آنها که انسانند، نه **كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ** وحدت بین المللی داشته باشیم

بالآخره ما در این جهان داریم زندگی می کنیم؛ روابط بین المللی ما با کشورهای کفر کم نیست! این روابط را باید در سایه قرآن کریم تنظیم بکنیم. پس رابطه داخله مسلمان ها به نام وحدت محلی، داخله منطقه ای با موحدان عالم و در سطح جهان با همه انسان ها برابر آنچه که در ممتحنه آیه ۸، کفاری که کاری با شما ندارند، با زندگی مسالمت آمیز شما درگیر نیستند

لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ ...  
وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

که با آن گروهی بگردید یار

نفرمود خود منعتان کردگار

نراندند بیرون شما را ز شهر

که در دین نکردند قتلی به دهر



تندرست نجوید از این امم  
بپوئید بر عدل و انصاف هم  
خداوند با آن کسی دوست باد  
که رفتارش از عدل و قسط است و داد  
این سه وحدت را هیچ چیز تأمین نمیکند، مگر «قرآن کریم»!! بنابراین ما یک  
وقتی می توانیم در این سه عرصه، زندگی با موفقیت داشته باشیم که در خدمت  
قرآن کریم باشیم.

### هدف قرآن کریم؛ تربیت جامعه وزین و قدرتمند

قرآن کریم به ما آئین زندگی را آموخت. فرمود: در صحنه های جنگ که وجود  
مبارک رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) مسئول این کار است یا **أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ  
الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ** و مانند آن.

تو با کافران و دوریان خوار  
بکن ای پیمبر کنون کارزار  
بر آن قوم جاهل کنون سخت گیر  
مدارا مکن بیش از این ای بشیر  
اما در غیرحالت جنگ به ما دستور داد شما آن قدر مستحکم و ستر باشید که  
هیچ کشوری در شما طمع نکند. فرمود: **وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً** شما مثل سلسله  
جبال البرز باید ستر باشید، کسی طمع نکند! به خاکتان، به خونتان، به ملیت  
تان، به شرفتان، به اقتصادتان، به حیثیت تان کسی طمع نکند!

هیچ کس طمع نمی کند که برود به جنگ قله دماوند یا به سلسله زاگرس حمله  
کند؛ چون فایده ندارد!! فرمود: آن قدر قوی باشید که دیگران حتماً بیابند که  
شما سترید. حالا راهش چیست؟ چگونه یک ملتی طوری می شود که سایر ملل  
احساس می کنند نمی شود به جنگ اینها آمد!

چه چیزی باعث می شود که دیگر ملل احساس بکنند و بیابند که ما نفوذ  
ناپذیریم؟ این کتاب انسان را به این صورت در می آورد.

## سهولت و وزانت قرآن کریم (جوادی آملی)

ما یک کتابی فرستادیم که هم فطرت پذیر است و لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ آسان است، دلپذیر است. چیزی که دلپذیر است، فطرت پذیر است؛ تحمیلی نیست! اما بسیار وزین است إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" قولی است محتوادر؛ روان، شفاف، نور، تبیان، قابل إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا. قول مبرهن، قول متقن، قول بنیان مرصوص، قول ثقیل است. سنگین نیست، اما وزین است؛ سبک نیست، ولی آسان است. هیچ کس نمی تواند بگوید فهم قرآن، عمل به قرآن، حشر با قرآن برای من سخت است. اگر این قول ثقیل است، یعنی وزین است، یعنی بنیان مرصوص است؛ هم افراد ما را به جائی می رساند که مصداق لا تحرکه لعواصف (مرز میان تاریکی و روشنایی) خواهد بود، هم جامعه ما را به جائی می رساند که مصداق وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً باشند. افراد سست ضعیف، جامعه وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً نمی سازد!

بنابراین اگر در تعبیرات روایی ما آمده که چیزی مومن را نمی لرزاند؛ نه رو میزی، نه زیر میزی، نه رانت خواری، نه دعوت، نه تهدید، نه ترغیب و مانند آن؛ برای این است که یک قول ثقیلی همراه اوست. این وزنه پیدا کرده، آدم وزینی شده، آدم محترمی شده. اما آیات فراوانی است که انسان گیر می کند! از این جهت کتابی است هم هُدَى لِلنَّاسِ است، هم لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ است. اگر قرآن (عظیم الشأن) را (به جای دل‌های خلق) بر کوه نازل می کردیم مشاهده می کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می گشت. و این امثال را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل (عقل و) فکرت شوند.

۱. یکی از شیوه‌های تربیت، توبیخ غیر مستقیم است. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ ... تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

۲. قرآن، کتاب الهی، کمبودی ندارد، مردم قابلیت لازم را ندارند. استفاده از تمثیل در بیان حقایق معنوی، شیوه‌ای قرآنی است. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ ...

۳. چگونه است که کوه با آن صلابت، در برابر عظمت قرآن خاشع است، اما قلب برخی انسان‌ها، از سنگ سخت‌تر؟ هستی، شعور دارد. اگر قرآن بر کوه نازل می‌شد، خشوع و خشیت از آن ظاهر می‌گشت. لَرَأَيْتَهُ ... مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ

۴. امثال و تمثیلات قرآنی، نیاز به تدبّر و تفکر دارد و گرنه به درستی درک نمی‌شود نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

### برتری مؤمن بر آسمان و زمین

در بخش پایانی سوره احزاب، إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا مَا بَرَّ آسْمَانَهَا وَزَمِينَ و کوه‌های عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را بپذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت).

مهمترین و برجسته‌ترین امانت الهی همان قرآن است. وقتی ما خودمان را عرضه کردیم بر آسمانها، بر زمین؛ اینها پذیرفتنی با محبت داشتند که قابل ترحم است، نه ابای استکباری! ابای استکباری کار شیطان است که أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ که بحثش جداست.

اما ابای اشفاقی مقبول است و معقول؛ یک کسی بگوید من مقدورم نیست و درست هم بگوید. آن ابای با استکبار است که ابی استکبر و دوزخ را به همراه دارد؛ اما ابای اشفاقی هم معقول است، هم مقبول. فرمود: ما عرضه کردیم، آنها هم عذرخواهی کردند

وصف **إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا** درباره جنس انسان نیست و بلکه متوجه برخی از انسانها بوده و مراد کسانی است که مقام بزرگ و ارزشهای والای انسانی را فراموش کنند و خود را اسیر و بنده این خاکدان نمایند.

روی هم رفته این آیه بیانگر عظمت و سعادت و برتری انسانهای انسان، بر سایر موجودات جهان، و حقارت و شقاوت و فروتری انسانهای ناانسان، از همه مخلوقات یزدان است.

بعد در سوره حشر می فرماید: اگر ما می دادیم، آنها ریزریز می شدند. چرا؟ برای اینکه آن روح مجردی که بتواند این معارف وزین را و قول ثقیل را تحمل بکند، ندارند! با هیکل هم که کار ساخته نیست!!

و اگر آن خطبه نورانی حضرت امیر(علیه السلام) را که در جنگ جمل پرچم را به دست پسرش ابن حنفیه داد که بخشی از آن خطبه در نهج البلاغه آمده، کوه ممکن است متلاشی بشود، اما تو آرام باش! این زلزله ها کوه را متلاشی می کند، حوادث روزگار کوه را متلاشی می کند؛ ولی هیچ زلزله ای مؤمن را متلاشی نمی کند!!

سرش این است که او یک چیزی دارد که آسمان و زمین از حمل آن عاجزند. او چیزی دارد که اگر بر کوه عرضه می شد، کوه متلاشی می شد؛ این یک چنین حقیقتی است.

## قرآن و اندیشمندان معاصر

قرآن کتابی است که در ابعاد مختلف زندگی، آدمی را رهنمون است و همچون خورشیدی فروزنده، کس یارای انکار خصائص و ویژگیهای گوناگون وجودی آنرا ندارد و هر کس به سهم خویش و به اندازه ظرف درونیش از بحر لایزال آن رفع عطش می‌کند.

در این قسمت آرای مختلف از بزرگان و اندیشمندان غیر مسلمان را در خصوص آن بررسی می‌نماییم که به نوبه خود بیانگر فراگیر شدن تعالیم آسمانی این کتاب الهی است و البته یادآوری این نکته ضروری است که هر اندیشمند، از زاویه دید خود به قرآن نگریسته است و بدیهی است که قادر به کشف تمام ابعاد و ویژگیها و همچنین عمق معارف آن نبوده باشد.

**۱. آلبرت اینشتاین** (۱۸۷۹ - ۱۹۵۵) قرآن کتاب جبر یا هندسه یا حساب نیست، بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگترین فلاسفه دنیا از تعیین و تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.

**۲. ویل دورانت** (متولد ۱۸۸۵): "رفتار دینی در قرآن شامل رفتار دنیوی نیز هست و همه امور آن از جانب خدا و به طریق وحی آمده است. قرآن شامل مقرراتی دربرگیرنده: ادب، تندرستی، ازدواج، طلاق، رفتار با فرزندان و حیوانات و بردگان، تجارت، سیاست، ربا، دین، عقود، وصایا، امور صناعت، مال، جریمه و مجازات و جنگ و صلح است. قرآن در جانهای ساده، عقایدی آسان و دور از ابهام پدید می‌آورد که از رسوم و تشریفات ناروا و از قید بت‌پرستی و کاهنی آزاد است. قرآن اصول نظم جمعی و وحدت اجتماعی را در بین مسلمانان استوار کرده است.

**۳. ناپلئون بناپارت** (۱۷۶۹ - ۱۸۲۱) قرآن به تنهایی عهده‌دار سعادت بشر است. امیدوارم آن زمان دور نباشد که من بتوانم همه دانشمندان و تحصیل‌کردگان تمامی کشورها را با یکدیگر متحد کنم و نظامی یکنواخت، فقط براساس اصول قرآن مجید که اصالت و حقیقت دارد و مردم را به سعادت رهبری می‌کند، تشکیل دهم

**۴. مهاتما گاندی** (۱۸۶۹ - ۱۹۴۸) از راه آموختن دانش قرآن، هر کس به اسرار وحی و حکمت‌های دین بدون داشتن خصوصیات مصنوعی، نایل می‌شود. در قرآن چیزی دیده نمی‌شود که اعمال زور را جهت برگرداندن مذهب اشخاص تجویز کند. این کتاب مقدس به ساده‌ترین وضع ممکن می‌گوید: اکراه در دین وجود ندارد.

**۵. گوته (شاعر آلمانی)** در سال ۱۸۳۲ گفت: سالیان دراز کشیشان از خدا بی‌خبر، ما را از پی‌بردن به حقائق قرآن و عظمت آورنده آن محروم و دور نگه‌داشتند، لیکن بر اثر پیشرفت علم، عن قریب این کتاب توجه افراد بشر را به خود جلب می‌کند و محور افکار همگان می‌گردد.

**۶. لئون تولستوی** (فیلسوف روسی): قرآن مشتمل بر تعلیمات و حقایق روشن است. و عموم افراد بشر می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

**۷. برنارد شاو** : (فیلسوف انگلیسی) پیش بینی می‌کند که اروپا در آینده، دین و کتاب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول خواهد کرد.

**۸. دکتر مارکس** (۱۸۱۸ - ۱۸۸۳) قرآن شامل تمام پیام‌های خدایی است که در تمام کتب مقدسه، عموماً، برای جمیع ملل آمده است.

در قرآن آیاتی موجود است که اختصاص به طلب علم و دانش و تفکر و بحث و تدریس دارد و چاره‌ای جز این اعتراف ندارم که این کتاب محکم، بسیاری از اشتباهات بشر را تصحیح کرد.

**۹. دکتر شبلی شمیل** (۱۸۵۳ - ۱۹۱۷) (شاگرد ویژه داروین) رسول و پیامبر اسلام با بلاغت قرآن، عقول بشری را متوجه خویش ساخت و آنها را در برابر کتاب خویش از خود بی خود کرد.

**۱۰. شارلس فرانسیز** (استاد آمریکایی) : انجیل کتابی که در آمریکا کسی آن را نمی‌شناسد ولی قرآن کتابی که هر مسلمان با آن آشناست؛ و این گزاف نیست. و باید گفت که نشناختن انجیل، از خوش‌شانسی مسیحیت است.

**۱۱. پروفیسور هانری کربن** (اسلام شناس معاصر فرانسوی): اگر اندیشه محمد (صلی الله علیه و آله) خرافی بود و اگر قرآن او وحی نبود، هرگز جرأت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ طرز فکری و هیچ بشری به اندازه محمد (صلی الله علیه و آله) و قرآن، آدمی را به دانش دعوت نکرده است

تا آنجا که در قرآن ۹۵ بار از علم و فکر و عقل سخن به میان آمده است.

### **سخن آخر      توسل به قرآن برای حل مشکلات شهادت و شفاعت**

قرآن کریم یکی از گواهان روز قیامت است. این کتاب در دنیا شاهد و ناظر بر اعمال بندگان است، و در قیامت هم به شکل انسانی زیبا و خوش صورت تجسم و تمثیل پیدا می‌کند و از کسانی که در دنیا آن را محترم دانسته و تلاوت نموده و در آیاتش تفکر کرده و دستوراتش را به کار بسته اند دفاع و حمایت می‌کند، و به نفع آنان شهادت می‌دهد. در آن روز، قرآن پیشاپیش مردم مومن حرکت می‌کند

و می گوید: من قرآن هستم و این ها هم بندگان مومن تو می باشند که برای تلاوت من خود را به رنج و زحمت انداخته و در شب های طولانی مرا تلاوت نموده و اشک می ریختند. خدایا! امروز آنان را راضی کن همان طور که در دنیا مرا راضی نمودند. پس از آن خداوند متعال می فرماید: ای بندگان من ! این بهشت برای شما مباح است . قرآن را قرائت کنید و به درجات آن بالا روید. بدین ترتیب انسان آیه ای از قرآن را می خواند و یک درجه بالا می رود.

امام باقر (علیه السلام): در روز قیامت قرآن با بهترین صورت به صف محشر می آید و از جلوی مومنین عبور می کند. آن ها می گویند: این شخص از ماست. از آنجا عبور می کند و به صف ملائکه می رسد. آن ها هم می گویند: این شخص، از ماست. از آن جا هم حرکت می کند تا این که به پیشگاه حضرت احدیت قرار می گیرد و می گوید: پروردگارا! فلان شخص پسر فلانی مرا تلاوت کرد تا جایی که دهن او خشک شد و شب خود را به سحر رسانید، در حالی که مشغول عبادت و قرائت من بود . بعد از آن خداوند می فرماید: آن ها را وارد بهشت کنید و در منازل خودشان جای دهید. پس قرآن با آنان حرکت می کند و به مومنین می گوید: آنچه از قرآن را می دانید بخوانید و بالا روید. آنها هم هر چه می دانند می خوانند و درجات بهشت را طی می کنند، تا هر کس در جایگاه خود قرار می گیرد.

**منابع :** حلی، عدة الداعی، طیب، اُطیب البیان، ج ۱ جامع الأخبار، کلینی، کافی،

ج ۲، بَابُ تَرْتِیلِ الْقُرْآنِ بِالصَّوْتِ الْحَسَنِ سنن النبی، مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹

صدوق، امالی، عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴ .

قرآن منظوم امید مجد . برداشت های مؤلف